

### دولت قصد دارد سوسیدها را حذف کند

هاشمی رفسنجانی در خطبه اول نماز جمعه روز ۲۶ فروردین (۱۵ آوریل) در چارچوب سخن رانی های خود پیرامون "عدالت اجتماعی" به بحث درباره سوسید پرداخت.

رفسنجانی آشکارا گفت سوسید پرداختی در مورد منابع تأمین انرژی ناعادلانه است. وی افزود دولت بالغ بر ۶ هزار میلیارد ریال یعنی برابر یک پنجم بودجه کشور را صرف کمک به مردم می کند و چیزی در حدود ۳ هزار میلیارد ریال هزینه سوسید کالا های اساسی یعنی گندم، شکر، روغن نباتی و گوشت می گردد. رفسنجانی این را ناسالم و ناعادلانه خواند.

رفسنجانی در سخنان خود که نیمی از خطبه های نماز جمعه را به خود اختصاص داد، در پس بازی با آمار و ارقام و صغری کبری چیدن های بسیار، قصد دولت برای از میان برداشتن سوسید پرداختی بر اساسی ترین کالا های مورد نیاز مردم را عیان ساخت.

رئیس حکومت اسلامی در ادامه در صفحه ۲

## وزیر کشور در برابر آتن ماهواره عقب نشست

● هشدار مردم به رژیم: جنگ با تکنولوژی بی فایده است

● بر سر آتن های ماهواره ای در حکومت اختلاف است

سرانجام اینگونه اقدامات هشدار دادند:

"بنده فردی سالمند هستم که شخصاً تمایلی به استفاده از آتن ماهواره ندارم. اما یادم می آید که در زمان رضاشاه در دوران جنگ جهانی، ما موران آتن های رادیو را از پشت بام های منازل کرمانشاه جمع آوری می کردند. آن واقعه را با جمع آوری آتن های ماهواره توسط وزارت کشور مقایسه کنید و بعد چند سال آینده رادرمقابل چشم داشته باشید.

"بنده مهندس الکترونیک هستم و مطمئن می باشم که حداکثر تا ۵ سال آینده با همین آتن های معمولی هم می شود بسیاری از کاتال ها را دریافت کرد. در هر حال با قوه قهریه نمی توان با تکنولوژی مقابله کرد.

"به وزیر کشور بفرمائید که راه بهتری برای مبارزه با تهاجم فرهنگی وجود دارد و آن اینکه اطراف ایران را دیواری به بلندی آسمان بکشند و اگر کسی خواست پایش را آنطرف دیوار بگذارد فوراً او را اعدام کنند و از

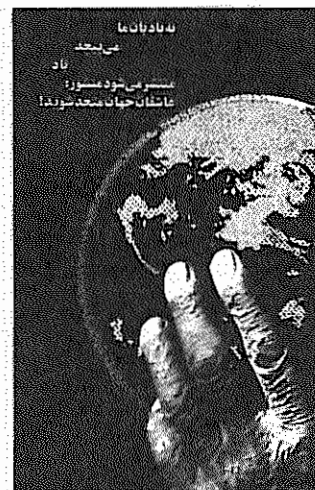
تعداد زیادی از مردم روزنامه های داخلی را مخاطب قرار دادند و نسبت به سخنان بشارتی اعتراض کردند و به رژیم در مورد

کشمکش بر سر آتن های ماهواره ای، طی چند هفته اخیر، از یکسو میان مردم و حکومت و از سوی دیگر میان خود حکومتیان، به نحو شدیدی بالا گرفته است. علی محمد بشارتی وزیر کشور که اعلام کرده بود به کمک مامورین خود آتن های بشقابی را ظرف دو ماه بر خواهد چید و برای این کار به هیچ قانونی نیاز نیست، خواهش داشت، خیلی زود مجبور شد از این موضع آشکارا قلد رمنشانه عقب بنشیند. وی در اثر واکنش های اعتراضی مردم و فشار برخی از سردمداران حکومت که در این یک مورد زور را چاره کار نمی بینند - حرف خود را پس گرفت و گفت: "مسئله آتن های ماهواره ای غیر قانونی نیست اما برای استفاده از آن باید مجوز داشت."

گفته می شود که پس از اظهارات قبلی بشارتی که آنها را جمع خواهد کرد، در بعضی از شهرها از جمله شیراز پاسداران و گروه های

مردم و حتی بسیاری از حکومتیان بویژه مجلسیان در مقابل موضع قلدر منشانه بشارتی و وزارت خانه وی به اعتراض برخاستند.

ادامه در صفحه ۲



### اول ماه مه روز جهانی کارگر گرامی باد

حماسه "های مارکت" امروز نیز چون دیروز، نیرو دهنده و الهام بخش است. تا مگر فردا - که انسان دوست انسان شود و شمشیر به تیغه گاو آهن بدل گردد.

در صفحات ویژه اول ماه مه

پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بمناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر

در صفحه ۸

نگاهی به عمده ترین مسائل کارگران در سال ۷۲

در صفحه ۹

ابعاد جهانی بحران بیکاری

در صفحه ۸

### وزیر آموزش و پرورش: سال مشکلی پیش روی ماست

هم برای یک میلیون نوجوان واجب التعلیم که بر شمار دانش آموزان فعلی افزوده خواهند شد، مدرسه بسازد، معلم و مربی بهداشت تربیت کند، میزونیکت و وسایل آزمایشگاهی بخرد...

در سال تحصیلی آینده حجم کتاب های درسی در مقطع ابتدایی و راهنمایی ۲۵ درصد کاسته خواهد شد و قرار است ساعات تدریس در دوره راهنمایی بین ۲ تا ۶ ساعت کاهش یابد و ۴۰ درصد از فارغ التحصیلان سوم راهنمایی - حدود ۴۶۰ هزار دانش آموز - وارد طرح نظام جدید آموزشی شوند. برای تجهیز کارگاه ها و آزمایشگاه هایی که دانش آموزان طرح جدید استفاده خواهند کرد، ۱۴/۵ میلیارد تومان بودجه اختصاص یافته است. در برنامه عمرانی آموزش و پرورش بنا بر آن است که عملیات احداث ۱۵ هزار کلاس درس جدید آغاز شود و همین تعداد کلاس نیمه تمام که ساختمان آنها در برنامه های سابق پیش بینی شده بود، به اتمام برسد.

مشکل کمبود فضای آموزشی که یکی از علل افت کیفیت آموزشی است حتی در شرایط تحقق وعده فوق، لا ینحل در کنار سایر مشکلات نظام آموزشی کشور باقی خواهد بود. هم اکنون در تهران و شهرستان ها به علت کمبود فضای آموزشی، مدارس چند شیفته اند و شمار دانش آموزان کلاس ها، گاه بیش از دو برابر ظرفیت آنهاست. هر چند مدرسه، یک کارگاه و آزمایشگاه مشترک دارند و تجهیزات

نگهداری مالی وزارت آموزش و پرورش در ایران سابقه دیرینه دارد. امسال هم دولت و مجلس تا آنجایی که تیغشان می برید از بودجه آموزش و پرورش زدند. به تصریح نجفی وزیر آموزش و پرورش "امسال سال مشکلی از نظر بودجه در این وزارتخانه است". بنابه اظهارات وی، کل بودجه عمرانی و جاری تخصیصی این وزارتخانه در سال ۷۳، ۳۹۲/۵ میلیارد تومان است. یعنی وزارت آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۷۳-۷۲، با بودجه ناچیز خود هم باید حقوق معلمان و کارکنان، اجاره مدارس، هزینه تحقیق و پژوهش و تالیف کتاب و نگهداری چاپخانه و... را بپردازد و

### تیراندازی به امام جمعه مشهد

روز جمعه دوم اردیبهشت، محمد عبایی خراسانی امام جمعه مشهد و نماینده خامنه ای در این شهر هدف چندین گلوله قرار گرفت. عبایی بلا فاصله توسط ماموران امنیتی به بیمارستان انتقال یافت و تحت عمل جراحی قرار گرفت. رسانه های خبری گزارش دادند که ضارب امام جمعه مشهد فردی در لباس سربازی بوده است. تاکنون اطلاعات بیشتری درباره هویت وی انتشار نیافته است. به گزارش خبرگزاری رویتر، ضارب امام جمعه مشهد بلا فاصله پس از ترور وی دست به خود کشی زد. گزارش ها حاکی است که عبایی و ضارب وی زنده اند.

ادامه در صفحه ۴



سودان، نماد گرسنگی و جنگ در آفریقا و نشانه بی عدالتی در جهان. دخترک از گرسنگی از پای درآمده و سر بر خاک نهاده بی آنکه در انتظار مرگ باشد. لا شخور اما منتظر مرگ اوست. این عکس که توسط "کوین کارتر" (از آفریقای جنوبی) برداشته شده، پرده امسال جایزه معروف پولیتزر گردید.

### سانسور رئیس قوه قضائیه توسط کیهان

همانگونه که در شماره قبل نشریه اشاره شد در ارتباط با مسائل مربوط به اعزام زائران به مکه و اختلافات با عربستان، یزدی رئیس قوه قضائیه در سخنرانی نماز جمعه ای خود بعضی روزنامه ها را مورد انتقاد قرار داده و مطالب آنها را "بهاوری چند روزنامه چی" خواند. بدنیال آن روزنامه ای کیهان در مقاله ای یزدی را بخاطر این سخنان به باد انتقاد گرفت و از وی توضیح خواست که ابهاماتی را که با اظهاراتش بوجود آورده روشن سازد. کیهان در همان مقاله از یزدی خواست است توضیح بدهد که منظورش از اینکه گفته بود "مسائل دوجانبه و چند جانبه قابل حل یک

جانبه نیست و هیچگاه نباید یک واقعیت را نادیده گرفت و بطوریکه جانبه حل کرد و در مسئله حج باید پذیرفت که مشکل دوجانبه است. اگر مقصود وی تبادل نظر جمهوری اسلامی با عربستان سعودی باشد که هر سال انجام می شود. پس بنا بر این راه حل دوجانبه ای که وی به آن اشاره کرده باید از نوع دیگری باشد. در همانجا از یزدی پرسیده شد که مقصود وی از تا کید بر کلمه "واقعیت" در عبارات "هیچگاه نباید یک واقعیت را نادیده گرفت" چیست؟ و کیهان آنرا اینطور تفسیر کرده: منظور یزدی این بوده که برنامه ی برانث از مشرکین در دوران

ادامه در صفحه ۴

### لایحه دادگاه های عمومی بی عدالتی بیشتر

مجلس شورای اسلامی لایحه تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب را پس از بحث و بررسی تصویب کرد. بر اساس این لایحه کلیه دادسراها و محاکم مختلفی که در حال حاضر وجود دارند به تدریج منحل و دادگاه های بی صلاحیت عام جایگزین آنها می شوند.

مطابق این لایحه: "به منظور رسیدگی و حل و فصل کلیه دعاوی و مراجع مستقیم به قاضی و ایجاد مرجع قضایی واحد، دادگاه های بی صلاحیت عام تشکیل می شود و با تأسیس دادگاه های عمومی در هر حوزه قضایی رسیدگی به کلیه امور مدنی و جزایی و امور حبسیه با لحاظ قلمرو محلی با دادگاه های مزبور خواهد بود. دادگاه های عمومی با حضور رئیس شعبه یا دادرس علی البدل تشکیل می شود و تمامی اقدامات و تحقیقات ضروری از بدو تا ختم قضیه وسیله حاکم دادگاه صورت خواهد گرفت. هم چنین اظهار نظر قضایی و انشاء رای با او است.

چنانکه مشاهده می شود با تصویب و اجرای این لایحه، دادسراها منحل می شود و امور کیفری مستقیماً در دادگاه مطرح خواهد شد. دادگاه هایی که به کلیه امور مدنی، جزایی و امور حبسیه رسیدگی می کنند، یعنی در کلیه دعاوی شاکه و مدعی، مستقیماً به دادگاه مراجعه و دعوی خود را مطرح می کنند و دادگاه هم را رسیده گی و حکم صادر می کند و یا اینکه موضوع را به قاضی تحقیق ارجاع می دهد و قاضی تحقیق پیرامون موضوع در حدی که بتواند بررسی کرده و نتیجه را به قاضی دادگاه می دهد.

دلایل اصلی تدوین کنندگان این لایحه ظاهراً عبارتند از: ۱. اسلامی کردن نظام دادرسی. در نظام قضایی اسلام، دادرسی از ابتدا تا انتها و تا صدور رای نهایی به عهده یک قاضی یا صلاحیت عام می باشد و بنا بر این نظام دادرسی فعلی (امور کیفری) که در آن مرحله تعقیب و تحقیق تا صدور کیفرخواست به عهده دادسرا و دادرسی و صدور رای به عهده دادگاه گذاشته شده است، مغایر شرع می باشد. ۲. سیستم دادرسی فعلی، کندی در رسیدگی به دعاوی را موجب گشته است و اجرای دادگاه های عمومی سرعت عمل لازم را به جریان دادرسی خواهد بخشید.

در موضوع قضا آنچه اهمیت اساسی دارد رعایت عدالت و قضاوت صحیح و بی حق است. شرط اولیه تأمین این امر، دانش و تبحر قاضی است. در جوامع کنونی امور قضایی و حقوقی به رشته های گوناگون تقسیم شده است. برای هیچ کس امکان پذیر نیست که در همه رشته های مختلف حقوق جزایی، حقوق مدنی، حقوق بازرگانی، حقوق کار، بیمه ها، ثبت شرکت ها، موسسات صنفی و... صاحب تخصص و مهارت باشد یک قاضی به هیچ وجه نمی تواند به کلیه مسائل

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

دولت آلمان چه پاسخی دارد؟

دادگاه رسیدگی به پرونده تروریسم نزدیک به شش ماه است که جریان دارد. گزارش های این دادگاه تا کنون کمابیش در نشریه "کار و بخش ها" از آن درباره ای دیگر از نشریات فارسی زبان انتشار یافته است. آنان که جریان این دادرسی را از طریق گزارش های انتشار یافته دنبال می کنند، به خوبی می دانند که در ظرف این شش ماه، با هر گام پیش رفت کار دادگاه، داستان خون آلود رژیم اسلامی در پس این جنایت نمایان تر می گردد و نه برای ایرانیان و نه برای هیچ ناظر بی طرف خارجی ابهامی در این که این آدم کشی به دستور مستقیم تهران و توسط عوامل آن طراحی و اجرا گردیده است، باقی نمی گذارد.

اما گذشته از این، جریان این دادرسی واقعتاً دیگری را نیز نشان داد. واقعتاً که حکایت از حضور و دخالت فعال دولت آلمان در پرونده میگویند. در این باره می توان بر موارد زیادی انگشت گذاشت که برخی از آن ها - در واقع عمده ترین آن ها - از این قرارند:

۱- سه ماه پس از آغاز کار دادگاه، روزنامه "معتبر" دی تسایت فاش ساخت که علت برکناری فون اشتال دادستان سابق آلمان نه یک مسئله داخلی، بلکه در ارتباط با پرونده تروریسم و وزیر فشار دولت آلمان بوده است. دی تسایت دلیل برکناری فون اشتال را با فشاری وی در پی گیری پرونده تروریسم ویژه انگشت اتهامی خواند که او بر اساس مدارک غیر قابل انکار در کيفرخواست تنظیمی خود به سوی تهران نشانه گرفته بود.

۲- در جریان دادگاه برلین روشن شد که گزارشی بسیار مهم و حساس در ارتباط با شبکه ترور که توسط سرویس اطلاعاتی فدرال آلمان تهیه شده بود، از پرونده خارج شده و دادگاه عملاً از دسترس به آن محروم شده است.

۳- روشن گردید که دو تن از دیپلمات های سفارت جمهوری اسلامی در برن که در واقع افسران اطلاعاتی رابط کاظم دارابی و مرتبط با شبکه تروریسم و اجرای ترور میگویند بوده اند، پنهانی به تهران فرستاده شدند.

۴- افسران اداره آگاهی فدرال آلمان که مسئول پرونده و بازپرسی از متهمان بودند، از ارائه اطلاعات کافی به دادگاه و پاسخ کامل به سؤالات دادگاه منع شده اند.

۵- بالاخره اشمید با وثر هماهنگ کننده سرویس های اطلاعاتی در دولت آلمان، با حضور در دادگاه و به رغم تکذیب های قبلی اش اعتراف کرد که ۴ بار با علی فلاحیان درباره تروریسم صحبت کرده و فلاحیان از وی خواسته است جلوی تشکیل دادگاه گرفته شود. اظهارات بسیار ضد و نقیض اشمید با وثر در این مورد، این گمان را تقویت می کند که توافقی های اعلام نشده ای میان طرفین صورت گرفته است.

اگر گزارشات انتشار یافته دادگاه به دقت دنبال شود، شمار موارد که دخالت دولت آلمان بسیار بیش از این است. به طور مثال سرویس اطلاعاتی آلمان قبل از وقوع جنایت برلین از موقعیت و فعالیت های کاظم دارابی و ارتباط وی با شبکه های مخفی دست اندر کار تروریست ها و فعالیت های رژیم اسلامی اطلاعات مفصّل داشته است. اما چرا وی تا قبل از جنایت برلین دستگیر نشد؟ این موضوع به شکل پرسشی که تا کنون نیز پاسخی نیافته، به مطبوعات خود آلمان نیز کشیده شد.

این موارد چه چیزی را اثبات می کنند؟ هیچ معنایی در کار نیست. دولت آلمان با آگاهی کامل از این که جانانی از کجا هدایت شده اند، از طریق مسئول هماهنگ کننده سرویس های اطلاعاتی در دولت، در تلاش بوده است تا جانی که می تواند مانع از آن گردد که رد پای رژیم جمهوری اسلامی در این جنایت آشکار شود و جمهوری اسلامی به عنوان عامل جنایت در صندلی اتهام نشانداده شود.

حقیقت آن است که اگر فعالیت های چشم گیر اپوزیسیون ایران نبود، اگر باره ای از مطبوعات و برخی از احزاب ترقی خواه آلمان و اکشن نشان نمی دادند، اگر اعتراضی از محافل و مجامع بین المللی مخالف تروریسم طرفدار حقوق بشر بر نمی خواست و دولت آلمان ترس از افکار عمومی به دل نداشت، امکان می یافت سرویس ضمیمی برواقعه کشیده و مانع از دادخواهی ایرانیان در برابر افکار عمومی دنیا شود. دولت آلمان موفق بدین کار نشد، اما توانست برخی از مهمین، اسناد و مدارکی را از دست رس خارج کند که با وجود آنها، چهره تروریسم دولتی رژیم اسلامی عربان ترا پیش در معرض دید جهانیان قرار می گرفت. راستی دولت آلمان در این باره چه پاسخی دارد؟ کدام "منافع" مشوق دولت آلمان در این دخالت هاست؟

اگر دولت کهل نگران منافع سرشار حاصل از بازرگانی چندین میلیارد مارکی با جمهوری اسلامی است، دولت جمهوری اسلامی نیز به دلیل انزوای بین المللی اش به همان اندازه محتاج داشتن چنین روابط بازرگانی گسترده ای است. اگر "مسائل انسانی" چنانچه گاه "ادعاشده، کمک به آزادی شهروندان آلمانی زندانی در ایران - دولت آلمان رابه کرنش در برابر راج خواهی تروریستی رژیم اسلامی کشانده، دولت مردان آلمان نیابتی شناختی کمتر از دیگران از سرانجام چنین معاملات "انسانی" داشته باشند. بنابراین سؤال همچنان به قوت خود باقی است که کدام انگیزه هاست که دولت بن رابه بی اعتنائی آشکار نسبت به اصول مندرج در قانون اساسی کشور واداشته است؟

مسلم خانی در گذشت

مسلم خانی فوتبالیست قدیمی و هفته پیش بر اثر یک حادثه ناگوار جان خود را از دست داد. خانی از چند سال پیش در بلژیک زندگی می کرد. او با یکی سابق تیمهای راه آهن و دارایی تهران و همچنین عضو تیم ملی جوانان ایران بود و با این تیم به مقام قهرمانی آسیا رسید. "کار" درگذشت مسلم خانی را به خانواده و دوستان او و همه ورزش و ستان تسلیت می گوید.

شرایط انتقال دانشجویان از خارج به داخل

به نوشته روزنامه های داخلی، شورای عالی برنامه ریزی طی مصوبه ای شرایط انتقال دانشجویان ایرانی خارج از کشور را به دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی داخل کشور اعلام کرد. بر اساس این مصوبه دانشجویانی که پس از تصویب قانون اعزام دانشجویان برای ادامه تحصیل به خارج رفته اند، در صورت دارا بودن شرایط میتوانند با گرفتن پذیرش از یکی از دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی داخل کشور و کسب موافقت شورای انتقال به آن مؤسسه یا دانشگاه منتقل شوند و به تحصیل ادامه دهند.

تقاضای انتقال دانشجویانی که از قبل از تصویب قانون اعزام دانشجویان مورخ ۱۳۶۴/۲/۵ به خارج رفته اند، و همچنین همسران آنها (در صورتی که دانشجوی باشند)، اخراجی های سیاسی و همسر و فرزندان آنها، همسر و فرزندان کارکنان ثابت و شاغل در نمایندگی های ایران در خارج کشور و همسر و فرزندان اعضای هیات علمی دانشگاه ها که برای اتمام تحصیلات به خارج رفته اند، کماکان مانند گذشته پذیرفته می شوند.

دولت قصد دارد ...

ادامه از صفحه ۱

توجیه این قصد دولت گفت سوبسیدها مورد سوء استفاده افراد و افساری قرار می گیرند که نیازمند نیستند. او در پایان سخنان خود بار دیگر بر حذف سوبسید برنان و سوخت به عنوان اقدامات مهم در جهت عادلانه کردن سیستم اقتصادی کشور انگشت گذاشت. سخنان هاشمی رفسنجانی بازتاب گسترده ای از جمله در مطبوعات داخل یافت روزنامه سلام در یادداشت اقتصادی روز شنبه ۲۷ فروردین (۱۶ آوریل) خود بر این نکته تأکید می کند که قریب ۸۰ درصد دیگر اجازه ندهند که مسافر، نامه، کتاب، مجله و حتی وسایل ساخت خارج هم به ایران وارد شود و هر کس هم برخلاف میل ایشان رفتار کرد فوراً او را اعدام کنند و بعد دل خودشان را خوش کنند که با تهاجم فرهنگی مبارزه کرده اند و گرنه ما هواره که مسئله مهمی نیست. بر پشت بام مجتمع مسکونی آتی ساز ظاهراً توسط سپاه پاسداران آنتن ماهواره ای نصب شد که ساکنین آن بطور مشترک از آن استفاده می کنند. اگر چنین باشد می خواستیم بدانم گفته ی وزیر کشور در مورد برخورد با آنتن های ماهواره شامل چنین مجتمع های نیز می شود که توسط نهادهای مثل سپاه نصب شده است؟

ادامه از صفحه ۱

طرف دیگر اجازه ندهند که مسافر، نامه، کتاب، مجله و حتی وسایل ساخت خارج هم به ایران وارد شود و هر کس هم برخلاف میل ایشان رفتار کرد فوراً او را اعدام کنند و بعد دل خودشان را خوش کنند که با تهاجم فرهنگی مبارزه کرده اند و گرنه ما هواره که مسئله مهمی نیست. بر پشت بام مجتمع مسکونی آتی ساز ظاهراً توسط سپاه پاسداران آنتن ماهواره ای نصب شد که ساکنین آن بطور مشترک از آن استفاده می کنند. اگر چنین باشد می خواستیم بدانم گفته ی وزیر کشور در مورد برخورد با آنتن های ماهواره شامل چنین مجتمع های نیز می شود که توسط نهادهای مثل سپاه نصب شده است؟

دارودسته اش، تجربه تلخ و ناموفق مبارزه با ویدئو را در یاد نبرده اند. مرتضی نبوی سردبیر روزنامه ی رسالت و نماینده ی مجلس شورای اسلامی در همین زمینه گفت: اگر در مورد آنتن های ماهواره ای ضابطه ای حاکم باشد هیچ نیازی به جمع آوری آنتن ها نخواهد بود و بهتر بود که وزیر کشور پیش از آنکه تصمیم به جمع آوری آنتن ها را اعلام کند کلیه جوانب امر را مدنظر بگیرد. مجلس گفت که جمع آوری آنتن ها را از دست وزیر نمایندگی چیرفت در این گیرنده ها هیچ دردی را دوانمی کند و فقط در کوتاه مدت تأثیر جزئی خواهد داشت. بنظر او نباید از هجوم افکار بیگانه و خشتی به دل راه داد چه امکان مقابله با آن در جمهوری اسلامی موجود است. گفته می شود که پس از اظهارات

ناطق نوری:

تغییرات اخیر تصمیم فردی خامنه ای

بوده است

ناطق نوری رئیس مجلس شورای اسلامی در یک کنفرانس مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی که با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی برگزار شد به سؤالات خبرنگاران پیرامون حجم بدهی های خارجی جمهوری اسلامی و تلاش وی برای کسب کرسی ریاست جمهوری پاسخ گفت. رئیس مجلس ضمن تأیید بدهی ۳۰ میلیارد دلاری جمهوری

خود از رفسنجانی خواسته است چگونگی جبران این آسیب را شرح دهد.

شایعه حذف سوبسید از مدتها پیش در جامعه رواج یافته است. و همانگونه که مرسوم است، پس از آنکه چنین شایعاتی برای مردم عادی می شود، آنها به عنوان سیاست رسمی اش اعلام می کند. رژیم اسلامی با توسل به حذف سوبسید ها می گوید با بحران مالی دولت رایش از پیش بردوش اکثریت به لحاظ اقتصادی ناتوان کشور بگذارد. برای این رژیم کافی نیست که مردم برای امرار معاش گاه و ادا به اشتغال به چند شغلند و با زهر شب بر سفره ای خالی می نشینند.

اسلامی، پیرامون کاندیداتوری احتمالی خود برای احراز پست ریاست جمهوری و ارتباط آن با برکناری محمد هاشمی برادر رفسنجانی از سرپرستی صدا و سیما توضیح داد که عزل محمد هاشمی و انتصاب لاریجانی به سمت سرپرست رادیو و تلویزیون، به تصمیم فردی علی خامنه ای بوده و مجلس و دولت در آن دخالتی نداشتند، رئیس مجلس شورای اسلامی افزود: آنتنچنان هم این تصمیم گرفته شد که تا همین روزهای آخر ما هم اطلاع نداشتیم که جناب آقای دکتر لاریجانی بنامت وزارت ارشاد را رها کند و به صدا و سیما برود. خودش هم اطلاع نداشت (!) اما شرایط را جوئی مقام معظم رهبری ملاحظه فرمودند که ایشان به صدا و سیما برود. ناطق نوری درباره کاندیداتوری ریاست جمهوری اظهار داشت: انتخابات در ما واقعاً یک انتخابات آزادی در کشور است. ما هم جایمان خیلی خوب است اگر بگذارند همین مجلس خیلی بهتر از آنجاست. کل دولتی ها را هم می توانیم سین چین کنیم و جابه این خوبی، بیخودی آدم خودش را گرفتار کند (.)

وزیر کشور در برابر آنتن ماهواره ...

وزیر کشور، دولت دستور داده است که از پشت بام های تهران عکس های دقیق هوایی بگیرند و ظاهراً عکس ها نشان داده که تعداد آنتن های ماهواره ای که اکنون بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار در تهران و ۴۵۰ هزار در سراسر کشور تخمین زده می شود، بیش از آن است که بتوان ظرف مدت کوتاهی با گسیل پاسداران به منازل مردم آنها را نابود کرد و این امر در عقب نشینی بشارتی بی تأثیر نبوده است. وزیر کشور در مصاحبه های بعدی خویش با تأکید بر اینکه مبارزه با پدیده ی ماهواره "مسئله ای جدی و نیازمند به برنامه های دقیق است، گفت: پس از اتخاذ تصمیم در هیئت دولت مدت یکماه برای طرح تقاضای مجوز قانونی به متقاضیان مهلت داده و پس از پایان این مهلت با متخلفان شدیداً برخورد خواهد شد.

عجالتاً قراقراس به سازمان ها و نهادها و وزارتخانه ها و سفارت خانه ها و هیئت های خارجی مقیم ایران و همچنین برخی از پژوهشگران و استادان دانشگاه مجوز استفاده از آنتن ماهواره داده شود و دیگران از این امکان محروم بمانند. با این اوصاف باید در انتظار دوره های تازه ای از جدال بر سر "قانونیت" و "ضوابط صدور مجوز" برای آنتن های ماهواره ای در میان حکومتیان در هفته ها و ماه های آتی بود. آنچه مسلم است آنکه آنتن های ماهواره ای در این اثنا با سرعتی نه کمتر از گذشته بام های خانه ها در سراسر ایران را تسخیر خواهند کرد و مقابله حکومت با این واقعیت جز یک شکست دیگر سرانجامی نخواهد داشت.

لایحه دادگاههای ...

ادامه از صفحه ۱

فوق رسیدگی کرده و رای عادلانه و منطبق با قوانین صادر نمایند. بالنتیجه با اجرای این لایحه، ناهنجاری ها و مشکلات غیر قابل وصفی بوجود خواهد آمد و آراء بشدت ناعادلانه و نادقیق صادر خواهد شد. در نظام حاضر حداقل ۶۰ درصد پرونده ها در دادگاه سراسر با صدور قرار منع، از جریان رسیدگی خارج می شود و باقیمانده پرونده ها به دادگاه ارجاع می گردد با این وجود وقت دادگاه ها حداقل ۶ ماهه و یکساله است. حال اگر دادگاه حذف شود و کلیه پرونده های کیفری مستقیماً به دادگاه ارسال گردد، در عمل اکثریت قریب به اتفاق پرونده ها، مطابق ماده ۱۱۴ لایحه، به قضات سپرده خواهد شد و بالنتیجه وضع به مراتب بدتر خواهد شد.

در نظام قضایی فعلی، دادستان در هر دعوی مدارک و دلایل را جمع آوری میکند و اگر تشخیص داد که متهم باید مورد مجازات قرار گیرد، کیفرخواست برای او صادر کرده و به دادگاه می دهد. دادستان به عنوان مدعی عموم به دادگاه می رود و در آنجا طرح دعوا می کند. در دادگاه متهم و وکیل مدافع دفاع میکنند و دادگاه به صورت بی طرف به قضیه رسیدگی می کند. قضات دادگاه دلایل و مدارک دادستان و اظهارات متهم و وکیل مدافع را مورد بررسی قرار داده و موضوع را با قوانین جاری تطبیق می دهند و بر اساس آن حکم خود را صادر می کنند. در لایحه دادگاه های عمومی دادستان حذف شده و وظیفه دادستان و قاضی به یک نفر محول شده است، یعنی دادگاه هم در موضع دادستانی قرار می گیرد و هم در موضع قضات و با تمرکز اختیارات در دست یک نفر خصلتی کاملاً ناعادلانه می یابد. وجود مشکلات بی شمار و بوروکراسی عظیم در سیستم قضایی کشور امری است مسلم. برای غلبه بر مشکلات، نظام موجود باید دگرگون

شود ولی نظام جایگزین آن مترقی تر، جامع تر و متکی بر تجارب ارزنده قضات و وکلای کشور و کشورهای پیشرفته باشد. لایحه مصوب مجلس نه گامی به جلو، بلکه مشخصاً برگشت به نظام قضایی جوامع قبیله ای است و سیستم قضایی را که بر اثر انقلاب مشروطیت و بمبارد مدت ۸۰ سال پا گرفته بود، منهدم می کند. این لایحه با مخالفت جدی قضات، وکلای و دانشجویان کشور مواجه شده است. از نظر آنها تهیه و تصویب چنین لایحه ای غیر قابل تصور و باور نکردنی است. گردانندگان رژیم اسلامی از بد و انقلاب کوشیدند که فقه را بر تمام حیات اجتماعی کشور حاکم گردانند. آنها موفق شدند که در بسیاری از عرصه های اجتماعی از جمله قوانین مدنی "اسلام" را پیاده کنند. ولی ساختار نظام قضایی با وجود تغییرات در جهت پیاده کردن فقه اسلام، هنوز بطور اساسی تغییر نیافته بود. با تصویب "لایحه" دادگاه های عمومی ساختار سیستم قضایی کشور تماماً بر پایه "فقه اسلامی" خواهد بود. در عرصه های که "فقه اسلامی" پیاده شده است، ضربات جدی و کاری بر کشور وارد آمده است. با این مصوبه، نظام قضایی اسلامی ناهنجاری ها، مشکلات و دشواری های زیادی برای مردم ما خواهد آورد. اما آنچه مجلس تصویب کرده است، تنها این نیست. گام آشکاری است در جهت تشدید بی عدالتی و استبداد در سیستم قضایی کشور. این مصوبه اگر در کنار دیگر اقدامات ماههای اخیر حکومت در نظر گرفته شود، پورش همه جانبه حکومتگران را برای برقراری استبداد بیشتر در همه شئون جامعه آشکار می سازد.



روز معلم

گرامی باد!

۱۲ اردیبهشت ماه سالروز اعتصاب بزرگ و یکپارچه معلمان بخاطر احقاق حقوق سیاسی اجتماعی و رفاهی خویش در سال ۱۳۴۰ است. در این روز بزرگترین اعتراض متشکل معلمان که تا آن زمان سابقه نداشت در تهران شکل گرفت و با حمایت وسیع معلمان سراسر کشور مواجه شد. اعتصاب به پیروزی رسید، اما در جریان آن دکتر خانعلی معلم مبارز و محبوب بدست گزندگان رژیم شاه به شهادت رسید. پس از انقلاب رژیم جمهوری اسلامی کوشید با استفاده از همزمانی روز معلم با ترور آیت الله مطهری در ۱۱ اردیبهشت ۵۸ روز معلم را به او نسبت دهد تا شاید بتدریج خاطره‌ی دکتر خانعلی و مبارزه‌ی نیروهای چپ، دموکرات و ملی علیه رژیم مستبد شاه از اذهان پاک گردد.

سال‌ها پس از آنروز، وضع معلمان کشورمان در نظام جمهوری اسلامی در مقایسه با آن سال‌ها بهبودی نیافته است. کماکان معلمان شریف میهن ما از کمترین امکانات رفاهی برخوردارند، حقوق اندک آنها کفاف تأمین حداقل مایحتاج زندگی را نمی‌دهد، گسترش فقر آنها را به اشتغال‌های اضافی دیگر نیز واداشته است. امری که امکان بازآموزی و تعمیق دانش آموخته را از آنها سلب کرده و به مقام شامخشان در عرصه‌ی اجتماعی لطمه‌ی فراوان می‌زند.

جدا از مسائل رفاهی معلمان بعنوان اندیشمندان و روشنفکران جامعه در معرض فشارهای گوناگون اجتماعی و روانی ناشی از حاکمیت کهنه پرستان در جامعه می‌باشند. در محیط مدرسه مسئولان امور تربیتی و انجمن اسلامی آنان را بطور مداوم کنترل می‌کنند. در اثر اقدامات این نهادها تاکنون ده‌ها هزار معلم بدلیل اعتقادشان از کار اخراج شده یا زودتر از زمان موعود بازنشسته و یا زودتر از موعد یا به کار نیمه وقت مجبور گشته‌اند.

معلمان هیچ گونه شکل صنفی مستقل که بکمک آن بتوانند تلاش‌هایشان را در راه تحقق خواست‌های خود هماهنگ کنند در اختیار ندارند. مجموعه‌ی مسائل یاد شده تمایل برای انتخاب شغل معلمی را در میان جوانان که وارد بازار کار می‌شوند کاهش داده است. نظام آموزشی کشور از کمبود صدها هزار معلم و دبیر رنج می‌برد و این موضوع سطح تحصیلی دانش‌آموزان کلبه‌ی مدارس بویژه مدارس دولتی را شدت پایین آورده است.

ما، روز معلم را به همه معلمان زحمتکش و شریف کشور شادباش می‌گوییم و پشتیبانی و همبستگی خود را با مبارزه آنان علیه استبداد حاکم اعلام می‌کنیم، مبارزه‌ای که هر چند دشوار است، اما قطعا به سرانجام خواهد رسید.

قبای مرجعیت بر تن خامنه‌ای راست نمی‌ایستد

تلاش برای ترفیع خامنه‌ای به مقام مرجعیت وارد مرحله‌ی تازه‌ای شده است. در کنار محمد یزدی رئیس قوه قضائیه و علی اکبر ناطق نوری رئیس مجلس شورای اسلامی که قبلاً صلاحیت خامنه‌ای را از هر حیث برای احراز مقام مرجعیت اعلام کرده بودند، اخیراً علی مشکینی، یوسف صانعی، محمد فاضل لشکرانجی، جواد ی آملی و ابراهیمی از حوزه‌ی علمیه‌ی قم نیز برای رساندن خامنه‌ای به مقام مرجعیت وارد گود شدند. خامنه‌ای خود نیز از قافله عقب نمانده، هر از گاهی در پاسخ به خود شیرینی‌های مسئولان ریز و درشت مملکتی که درباره‌ی مسائل فقهی از او سؤال می‌کنند، "فتوا صادر و هلال ماه شوال" را رویت می‌کند و به این صورت با از گلیم خود فراتر نهاده، خود را به عنوان مرجع تقلید مطرح می‌نماید.

در برابر کوشش‌های خامنه‌ای و طرفدارانش، علاوه بر عده‌ای از روحانیان کارگزار رژیم مانند آذری قمی که با اظهار نظرهای دوپهلو عملاً مرجعیت خامنه‌ای را بطور علنی به زیر سؤال برده است، گروه بزرگی از روحانیان که شرایط را برای بیان علنی نظر اتشان مناسب نمی‌بینند به اشکال دیگری اعتراض خود را اعلام نموده‌اند. اخیراً در قم در پاسخ به دعوت علی مشکینی مبنی بر لزوم پذیرش فقاقت و ولایت خامنه‌ای بر مسلمانان جهان از جانب همه‌ی پیروان دین اسلام اعم از شیعه و سنی، بیانیه‌ای صادر گردیده که به صورت مخفی در این شهر توزیع شده است.

این بیانیه به دلایل شرعی و عقلی صلاحیت خامنه‌ای را برای مرجعیت رد کرده و سخنان مشکینی را دارای اشکالات و ایرادات اصولی دانسته است. در بیانیه مزبور آمده است: "قصد این است که به آقای خامنه‌ای چه مقامی بدهند؛ درجه اجتهاد، مقام رهبری جمهوری اسلامی و یا

مقام ولایت امر مسلمین؟ اگر می‌خواهند درجه اجتهاد بدهند، از دو حال خارج نیست یا خود را بالاتر از او یا به اصطلاح "افضل بروی" می‌دانند یا پایین تر. اگر بالاتر می‌دانند که دعوت مردم به اطاعت از او بی‌مورد می‌شود و اگر پایین تر می‌شمردند، در این صورت بر مقام پایین تر نیست که به مقام بالاتر درجه اجتهاد بدهد و این بدعتی ناستوده و برخلاف سنت‌های جاری در مراکز علمیه است.

بیانیه گوشزد می‌کند که اجتهاد خامنه‌ای هیچگاه مورد تأیید خمینی نبوده است و چنانچه وی خامنه‌ای را واجد صلاحیت می‌دانست کتباً یا شفاهاً او را مورد تأیید قرار می‌داد و خامنه‌ای قبلاً مورد غضب خمینی قرار گرفته است و بخاطر اظهار نظر وی درباره‌ی احتمال توبه‌ی سلمان رشدی مورد مصادحه قرار گرفته و خمینی به آن گفته است "چه کسی به شما اجازه داده است در این گونه مسائل فقهی و شرعی اظهار نظر کنید" و او شرمسارانه گفته است "من مجتهد نیستم بلکه مقلد ی هشتم مثل سایر مقلدین حضرت امام".

بیانیه مینویسد که خشم خمینی بخاطر اختلاف نظر با خامنه‌ای بعنوان یک "مجتهد" نبود بلکه بدان سبب بود که او را فاقد صلاحیت می‌دانست زیرا که "اختلاف در مسائل فقهی و شرعی فیما بین مجتهدین امری رایج است و هیچ مجتهدی، مجتهد دیگر را به سبب یک اظهار نظر فقهی تخطئه نمی‌کند".

در بیانیه آمده است که اگر مقصود تنفیذ مقام رهبری به خامنه‌ای است که اینکار احتیاج به صدور اعلامیه‌ی مجدد ندارد.

بیانیه‌ی مزبور درباره‌ی تلاش برای رساندن خامنه‌ای به مقام ولایت می‌نویسد "مگر امکان دارد کسی را که در سلسله مراتب روحانیت حداکثر مقام سوم را دارد، با عنوانی دیگر خطاب کرد و با نشر چند اعلامیه و بیانیه، لازم الاتباع و واجب‌الاطاعه، آن هم بر همه‌ی مسلمانان جهان معرفی کرد؟"

عباس عبدی چرا دستگیر شدو چرا آزاد شد؟

عباس عبدی نیز حاصل و نتیجه این انتخاب است. سلام خود این را بخوبی می‌داند و بارها نیز اعلام کرده که اگر در میان مطبوعات داخلی اعتباری یافت و اگر استقبالی از آن صورت گرفت به خاطر مواضع انتقادی آن و به خاطر بیان گوشه‌هایی از حقیقت از سوی این روزنامه بود که در مطبوعات دیگر گفته نمی‌شد. دست اندرکاران این روزنامه باید در این چند ماهه تجربه کرده باشند که افزودن بر کیفیت چاپ روزنامه، و رنگی کردن آن و بکار گرفتن فوت و فن‌های روزنامه نگاری در اعتبار بخشیدن به یک روزنامه تنها فرع قضیه است اصل آن بود که سلام هر روز از آن دورتر می‌شود.

ما از آزادی عباس عبدی استقبال می‌کنیم و امیدواریم بازگشت او به روزنامه سلام، بازگشت سلام به رویه‌ای باشد که تا چندی پیش به آن اعتبار می‌داد.

دست اندرکاران سلام "از جمله خویشی‌ها، از احتمال تعطیل روزنامه خود توسط حکومت سخن گفتند. روزنامه سلام تعطیل نشد. اما از انتقادات خود علیه دولت و حکومت به میزان زیادی کاست. برای کسانی که مواضع این روزنامه را از نزدیک دنبال کرده‌اند. این تغییر محسوس است. سلام خود این را نمی‌پذیرد، اما خوانندگانش بطور مرتب این واقعیت را به آن یادآوری می‌کنند.

بنظر می‌رسد اکنون با گذشت ۸ ماه دیگر قضاوت در این مورد زود هنگام نباشد که دستگیری عباس عبدی نقطه اوج جنگ پنهان بین حکومت و سلام بود. آن هشدارها در مورد احتمال تعطیلی سلام بیجا نبود. حکومت با دستگیری عبدی این روزنامه را بر سر یک دوراهی قرار داد: یا توقیف و تعطیل یا در گام کشیدن زبان. سلام راه دوم را انتخاب کرد. و آزادی پیش از موقع

عباس عبدی، سردبیر روزنامه سلام از زندان آزاد شد. وی از ۷ ماه پیش دستگیر شد و در یک دادگاه درسته و بدون حضور وکیل مدافع به یک سال زندان محکوم گردید. دلیل دستگیری عبدی و اتهام او هرگز اعلام نشد.

دستگیری و محکومیت عباس عبدی با انعکاس و اعتراضات گسترده‌ای مواجه شد، هر چند مقامات دستگاه قضایی حاضر نشدند جز توضیحات ضد و نقیض غیر رسمی دلا پل روشنی برای بازداشت او را اعلام کنند. اما از همان ابتدا روشن بود که این بازداشت در رابطه با روزنامه سلام صورت گرفت و بخشی از سیاست اعمال فشار به این روزنامه بود که در آن زمان مواضع انتقادی تند علیه حکومت اتخاذ کرده بود. همزمان با دستگیری عبدی، موسی خویشی‌ها مدیر مسئول این روزنامه نیز به دادگاه فرا خوانده شد

مجلس طرح ادغام ۳وزار تخانه صنعتی را تصویب کرد

آدم‌ربایی در سوئد

به گزارش کانون ابلاغ اندیشه‌های شریعتی (ارشاد) یکی از فعالین این کانون روز چهارشنبه ۹ فوریه هنگام عزیمت به محل کار در برابر خانه خود ربوده شد. مطابق این گزارش ربایندگان کیسه‌ای پر سروروی وی می‌کشند و او را به کف یک ماشین استیشن پرتاب می‌کنند و در برابر فریادهای اعتراضی وی، دست و پا پیش راسته و وحشیانه به ضرب و شتم وی می‌پردازند که موجب بیهوشی‌اش می‌شود. ربایندگان که عرب زبان بوده و فقط فرماندهان ایرانی بوده بعد از چند بار تعویض ماشین او را از سوئد خارج و به دانمارک می‌برند و در طول مسیر فرمانده آنها به بازجویی از وی پیرامون فعالیت‌های پیوندگان راه شریعتی در داخل و خارج می‌پردازند.

کارخانجات به بخش خصوصی، ادغام این سه وزارتخانه ضروری کرده است. مهاجرانی نماینده دولت با تصویب این طرح مخالفت کرد. وی گفت: دولت با ادغام دستگاه‌های موازی مخالفتی ندارد، اما تصویب این طرح را در شرایط فعلی به مصلحت نمی‌داند. وی به نمایندگان توصیه کرد در تصویب این طرح عجله نکنند. اما علیرغم این توصیه، مجلس با ۱۷۱ رای موافق، ۱۸ رای موافق و ۱۵ رای ممتنع به کلیات طرح رای داد. در راستای ادغام ارگان‌های موازی با با وظایف مشابه، طرح ادغام وزارت‌های کشاورزی و جهاد سازندگی نیز در دستور کار مجلس قرار گرفته است.

کلیات طرح ادغام وزارت صنایع، صنایع سنگین و معادن و فلزات و تشکیل وزارت صنایع و معادن پس از شش ماه مسکوت ماندن در مجلس به تصویب رسید. به گفته‌ی ناصری رئیس کمیسیون مشترک امور اداری و استخدامی و صنایع و معادن در صورت تصویب نهایی طرح ادغام باید وزارتخانه‌های مزبور به طور کامل محل شوند و وزارتخانه و تشکیلات تازه‌ای به وجود آید. بر اساس این مصوبه دولت موظف است حداکثر ظرف مدت دو ماه اساسنامه وزارت جدید صنایع و معادن را تهیه کرده و به تصویب مجلس برساند. ناصری در جهت تأیید این ادغام گفت که تعقیب بهتر سیاست‌های تعدیل اقتصادی دولت و تسریع در واگذاری صنایع و

دام‌های شیطانی!

وسوسه‌های شیطانی است. ۷- مشارکت در اموال و اولاد: دیگر اذام‌های شیطان شرکت در اموال و اولاد انسان است. انسان طبیعتاً به فرزند و مال علاقه و محبت دارد و شیطان هم از این در وارد می‌شود. آن فرزندی که دوست داشتش والدین را به گناه کشانده و در راه فراهم ساختن خواسته‌ها و آسایش او به گناه و پول پرستی و دنیا طلبی روی آورده‌اند به یقین در دام شیطان افتاده‌اند. فرزندی که برای اطاعت و بندگی خدا بزرگ نمی‌شود بلکه برای دنیا طلبی و شیطان صفتی بزرگ می‌شود ذخیره و سرمایه‌ی شیطان است و سرمایه‌ی شیطان که معاونت پرورشی دانش آموزانی که معاونت پرورشی همه انگیزه‌های تلاش را در آنها می‌کشد و هر جاذبه‌ی دنیوی را به عنوان جاذبه‌ی شیطانی به آنها معرفی می‌کند، عشق به فرزند و تلاش برای خوشبخت کردن او را تلاش در راه شیطان باید تلقی کند و هر دم منتظر مرگ باشد و برای فردایش هیچ برنامه‌ای نداشته باشد، شاید فقط معاونت پرورشی می‌داند که در دنیای امروز چگونه باید مناسباتش را با سایر انسان‌های جهان تنظیم کند. ما امیدواریم که این فقط در محدوده نظر بماند و به بخشنامه‌ی تربیتی و در رسانه تبدیل نشود.

اینک دریافته‌ایم که جز افسونی نبوده‌اند. طبل‌ی بود که از دور آوازش خوش بود. ۵- حسن ظن به شیطان و سوء ظن نسبت به خدا: از آنجا که شیطان کینه‌ای با یان تا پذیر نیست به انسان دارد کاری می‌کند که انسان از پیروی دستوراتی که ضامن سعادت اوست دست بکشد لذا از این در وارد می‌شود که خود را خیر خواه انسان و خداوند را دشمن بشمارد و پیروی از دستورات خدا را عامل بدبختی، نکبت، غم و بیچارگی معرفی می‌نماید. راه گریز از این دام این می‌تواند باشد که انسان در آن لحظاتی که می‌بیند در برابر نظر خدا نظر دیگری دارد بداند که این نظرو رای ابلیس شقی است. ۶- ترساندن از فقر: یکی دیگر از دام‌های شیطان مطرح کردن فقر در آینده و ترساندن از فقری موهوم است، این ترس انسان را به تلاش برای کسب مال وامی‌دارد. به فکر سر و سامان دادن به فرزندان و ادامه تحصیل آنها می‌اندازد، این دام انسان را به فکر نقشه برای زمان پیری و مرخصی می‌اندازد. عاملی که ما را از این دام می‌تواند برهاند توجه به مراقبت و فضل خدا است. مگر فقر و بی‌نیازی و صحت و مرض مادر دست کیست؟ وقتی نسبت به قطع روزی و مرخصی در آینده بیندیشیم باید بدانیم این

به سن پیری خواهد رسید. ۳- تسویل: تزئین نفس: یعنی زینت دادن اعمال و رفتار و برای خود انسان در نظرش بطوریکه جز برای خودش برای هیچ چیز حقیقتی قائل نباشد. شیطان نخست و وسوسه‌ها و افکار باطل خویش را به او القاء می‌کند و بعد هم به وسیله تسویل کاری می‌کند که روی این عقاید باطل و بوج با فشاری کند. راه غلبه بر این وسوسه‌ها این است که به افکار و رای خودمان تیز به دیده شک و سوء ظن بنگریم و احتمال بدهیم که نکند این افکار از من نباشد و القانات شیطان باشد. ۴- طول‌امل: داشتن آرزوهای دور و دراز و بی‌پایان مادی اینکه چگونه شیطان موفق می‌شود در دل انسان آرزوهای بلند دنیایی ایجاد کند برمی‌گردد به کمک گرفتن از دیگر دام‌هایش: تزئین دنیا: تزئین اماره و وعده‌های دروغ و مخصوصاً ترغیب خوشبین نمودن انسان به دنیا. شیطان سعی می‌کند انسان را به دنیا خوشبین سازد و چشم اندازی امید بخش، فرح انگیز و نشاط افزا برایش تزئیم می‌کند. او را در دیدن در پی سراپ دنیا دلگرم می‌کند و بدین ترتیب هستی و سرمایه‌ی عمرش را می‌رباید. راه خلاصی: تعمق در آن دسته آرزوهایی است که در گذشته داشته‌ایم و جامه عمل پوشیده و

می‌فرماید و خودش دنیا را در چشم آدمی می‌آید تا زندان بودن آن را فراموش کند و در آن به کسب و کار و معیشت بپردازد. این چنین زینت دادنی مدح و بوده و به مصلحت انسان است اما یک زینت دادن دیگری هم در مورد دنیا اعمال شده است و آن شیطانی است. در نوع دوم هدف این نیست که دنیا فقط برای انسان قابل تحمل شود، بلکه منظور آن است که دنیا به تمامی انسان را در خود مستهلک سازد. برای جلوگیری از این سقوط، انسان باید تقواییش کند و در غیر اینصورت انسان در لجن دنیا می‌پرسد و لاشه‌ای متعفن می‌شود، اما از متعفن شدن خویش تا لحظه مرگ بی‌خبر است و زمانی باخبر می‌شود که دیگر کاری از دستش ساخته نیست. ۲- تسویف: همان سوف، سوف گفتن است. یعنی بزودی در آینده نزدیک کار خیر را انجام می‌دهی. کار امروز به فردا موکول کردن نقشه‌ی شیطان است. بهترین راه فائق آمدن بر این نقشه این است که آدمی همیشه یاد مرگ باشد و مخصوصاً به عدم آگاهی‌ها از زمان فردن باید توجه داشته باشد. حقیقت این است که به هیچکس امان نامه‌ی مبنی بر اینکه یک دقیقه دیگر زنده خواهد بود نداده‌اند. از کجا معلوم مجالی برای توبه به ما بدهند، چه کسی یقین دارد که حتماً

در اطلاعات شنبه ۲۱ اسفند ماه ۷۲ در صفحه‌ی نظر ها و اندیشه‌ها به مقاله‌ای برمی‌خوریم که ستاره‌ای بر پیشانی دارد و توسط معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش تهیه شده است. ما بسیار امیدواریم که این مقاله و یا مفاد آن به دبستان‌ها و دبیرستان‌های ایران چه علنی و چه مخفی بخشنامه نشده باشد و نشود. اینک چکیده مقاله شناخت مهالک و ورطه‌های خطر، ضرورت سازندگی اخلاقی و تهذیب نفس و پیمودن طریق تکامل است. در جهان بینی الهی شیطان مانع تکامل (برصراط مستقیم) نشده و رهزن ایمان و اعتقاد معرفی شده است. مقاله بعد از معرفی شیطان به تشریح دام‌های شیطان می‌پردازد. ۱- تزئین دنیا: از آنجا که روح انسان لا مکان است اگر تدبیری اندیشیده نمی‌شد چون زمین جاذبه‌ای برای او نداشت، روح چند روزی بیشتر در کره‌ی خاکی دوام نمی‌آورد و قق می‌کرد. اما مشیت الهی این بود که انسان خلیفه‌ی خدا در زمین باشد. بنابراین باید تمهیداتی بعمل می‌آمد که انسان به دنیا انس بگیرد. دنیا هر چند فی نفسه زندان و تبعیدگاه و گهواره‌ای بیش نیست، اما ظاهرش باید زیبا و موجه می‌شد، بر این اساس است که اصل زینت دادن دنیا مطرح می‌شود. لذا خداوند سنت زینت را مقرر

## ۱۴ پس از انقلاب فرهنگی رژیم

آخرین روزهای فروردین و اولین روزهای اردیبهشت هر سال یادآور تهاجم گسترده و بی‌نامه‌ریزی شده‌ی جمهوری اسلامی به دانشجویان در سال ۱۳۵۹ می‌باشد. رژیم در این اقدام که به کمک ایادی "حزب الهی" خود صورت داد، در هم شکستن مقاومت دانشجویان در مقابل سیاست‌های مردم ستیزانه حکومتی را در نظر داشت؛ آنچه که آنها انقلاب فرهنگی "جهت تغییر بنیادی نظام آموزشی" نامیدند و در واقع یک انهدام فرهنگی و فاجعه بود.

در آن روزها تمام دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور صحنه‌ی یورش چماق‌داران حزب الهی به دانشجویان آزاد بخواد و آزاداندیش گشتند که در نتیجه‌ی آن ده‌ها دانشجویان در دانشگاه‌های تهران، اهواز، گیلان، تربیت معلم و چندین مرکز دیگر آموزش عالی در اثر گلوله یا ضربات چاقو قومه از پای درآمدند که در آن میان فجاجیع انجام یافته در دانشگاه اهواز ابعاد گسترده‌تری داشت.

در اهواز جنتی امام جمعه‌ی وقت، جماعت نمازگزاران را تحریک به حمله به دانشگاه‌ها کرد. پس از آن با یورش بخشی از نمازگزاران در اثر مقاومت دانشجویان دانشگاه اهواز، پاسداران که از قبل آماده شده بودند بر روی دانشجویان بی‌سلاح شلیک کردند. در گزارشی که یک شاهد عینی برای روزنامه‌ی کاردر آن زمان فرستاده و در شماره‌ی ۵۷ منتشره در ۱۷ اردیبهشت ۵۹ درج شده است می‌خوانیم:

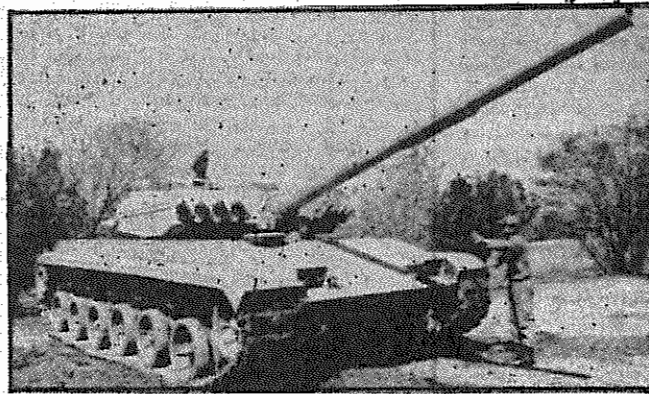
"در اهواز جنایات بیشماری انجام گرفت. عده‌ای وحشیانه با چوب‌دسته‌ی آهنی می‌زدند تا جایی که دانشجویان غرق در خون به حال اغما می‌افتادند. بعضی از پاسداران در فاصله‌ی سه چهارمتری هدف می‌گرفتند و به پای دانشجویان شلیک می‌کردند. مثلاً رفیق جبرائیل هاشمی را به این ترتیب به گلوله می‌زدند که در بیمارستان بر اثر جراحات وارده به شهادت رسید.

زمانی که دانشجویان از جلوی گلوله‌های پاسداران عقب‌نشسته بودند، دختری را متوقف می‌کنند و کلت را به شقیقه‌اش گذاشته و شلیک می‌کنند. این صحنه برای شاهدان عینی چنان غیرمنتظره بود که دچار تهوع شده و بعضی شوکه می‌شوند. در چندین مورد حمله و تجاوز به دختران انجام می‌گیرد و تاکنون سه جسد را از رودخانه کارون بیرون کشیده‌اند. یکی از زندانیان را که گلوله خورده بود برای مدتی در همان حال نگی می‌دارند و بعد از اعتراضات فراوان دیگر زندانیان (ظاهراً) او را به بیمارستان منتقل می‌کنند اما فردای همان روز جسد این رفیق را در حالی به خانواده‌اش تحویل می‌دهند که با قمه گردن او را شکافته بودند. در اولین نماز جمعه بعد از فاجعه، مقامات رژیم مسئولیت اقدامات انجام شده را به عهده گرفته، ۴ ماه بعد تعطیلی دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور را که سه سال و نیم ادامه داشت، اعلام کردند.

سال‌ها بعد دانشگاه با جز ارباب شدید و کاملاً متفاوت با گذشته بازشد. شعاری که در آن هنگام بر روی درود پواری دانشگاه نوشته بودند یعنی شعار "سنگر، دانشگاه من - تفنگ، قلم من - خون، مرکب من - شهادت، مدرک من" توقع رژیم از دانشجویان را بخوبی نشان می‌داد.

اکنون با گذشت سالها، تلاشهای رژیم شکست خورده است و در اثر مبارزه‌ی پیگیر و مداوم دانشجویان، دانشگاه‌ها به تدریج جایگاه شایسته‌ی خود را باز می‌یابند. در سال‌های اخیر بویژه در سال گذشته و جاری اعتراضات دانشجویان جهت کسب حقوق حقه‌ی خویش ابعاد گسترده‌تری یافته است و در اعتراضات دانشجویی در سراسر کشور صورت گرفته است. به این ترتیب می‌توان انتظار داشت که جنبش دانشجویی ایران بزودی بعنوان رکن مهمی از جنبش عمومی مردم ایران ارتجاع حاکم بر کشور را بیش از پیش به عقب‌نشینی وادارد.

انجام گرفت. عده‌ای وحشیانه با چوب‌دسته‌ی آهنی می‌زدند تا جایی که دانشجویان غرق در خون به حال اغما می‌افتادند. بعضی از پاسداران در فاصله‌ی سه چهارمتری هدف می‌گرفتند و به پای دانشجویان شلیک می‌کردند. مثلاً رفیق جبرائیل هاشمی را به این ترتیب به گلوله می‌زدند که در بیمارستان بر اثر جراحات وارده به شهادت رسید.



روزنامه‌ها با آب و تاب، خیر ساخت نخستین "تانک پیشرفته" توسط جمهوری اسلامی را اعلام کردند. در کشوری که فقر، گرانی، نبود دارو، بی‌خانمانی، بیسواد و و صدها پلای اجتماعی دیگر آنرا در محاصره گرفته است، ساختن توپ و تانک به چه کار می‌آید و کدام درد از دردهای بیشمار مردم را درمان می‌کند؟ سیاست‌های تسلیحاتی جمهوری اسلامی یکی از عوامل عمده فقر و ناداری در ایران است.

### سانسور رئیس قوه قضائیه...

ادامه از صفحه ۱  
می‌توانند هزینه سفر از یک کشور سوم را متقبل شوند، پس اقدام وزارت ارشاد درست بوده است.

محمد یزدی سعی می‌کند طی نامه‌ای به مقاله‌ی کیهان پاسخ دهد. اما کیهان از درج این نامه که با امضای روابط عمومی قوه قضائیه بوده خودداری می‌کند و محتوای آنرا توهین آمیز و پر از عبارات زننده، ضعیف و سبک و بی‌ارتباط با موضوع دانسته و می‌نویسد که مادر ج این نامه را نوعی اهانت به ریاست قوه قضائیه می‌داند و اطمینان داریم که این مطلب را برخی از دوستان ناآگاه ندانسته و برای تضعیف قوه قضائیه نگارش کرده‌اند.

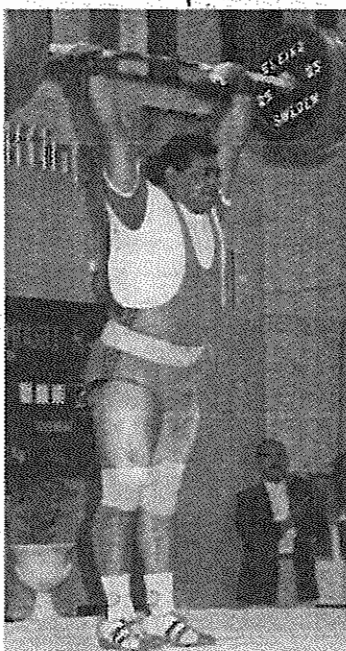
### وزیر آموزش و پرورش...

ادامه از صفحه ۱  
تحصیلی بدل شده است. سال پیش مجلات چاپ داخل کشور نوشتند بیش از ۶۰ درصد افت تحصیلی دانش آموزان در دوره راهتمایی و ابتدایی کشور مربوط به سوء تغذیه است دولت و مجلس به هنگام تصویب بودجه، واقف بودند که نظام آموزشی با چه بحرانی مواجه است و کاهش بودجه آن چه عواقب زیانباری برای نسل حال و آینده کشور دارد. با این حال تصمیم به تضعیف آموزش و فرهنگی که به دفاع از آن یاوه‌سرای می‌کنند، گرفتند.

آنها منطبق بر نیازهای علمی و عملی نظام آموزشی نیست. در شهرستان‌ها و روستاها وضع به مراتب بدتر از تهران است. در بسیاری از روستاها بیش از نیمی از دانش آموزان به علت نبود مقطع تحصیلی راهنمایی و بالاتر قادر به تکمیل دوره آموزش خود نیستند. اکثر روستائیان نه تنها بضاعت مالی هزینه سرسام آور تحصیل در شهر را ندارند، بلکه بسیاری مواقع قادر نیستند فرزندان خود را با شکم سیر سر کلاس بفرستند. سوء تغذیه هم اکنون به یکی از معضلات مهم و عامل افت

### رویدادهای ورزشی

## وزنه برداری: ایران برنده جام نامجو شد



تیم ملی وزنه برداری ایران با کسب ۱۲ مدال طلا، ۴ نقره و ۶ برنز به مقام قهرمانی چهارمین دوره مسابقات بین‌المللی وزنه برداری "جام نامجو" نائل آمد. در چارچوب این مسابقات که در رشت برگزار شد، تیم‌های ترکیه و پاکستان به ترتیب به مقام‌های دوم و سوم دست یافتند. سه تیم اول موفق شدند به ترتیب ۴۱۳، ۱۹۴ و ۱۹۰ امتیاز آورند.

در مسابقات "جام نامجو" تیموری وزنه بردار مازندرانی در وزن به اضافه ۱۰۸ کیلوگرم برنده سه مدال طلای این مسابقات کوشش کرد رکورد آسیا در حرکت یک ضرب را با ۱۸۰/۵ برد، ولی در مقابل وزنه ۱۸۰/۵ کیلوگرم کام ماند.

## یک داور ایرانی در مسابقات جهانی فوتبال

محمد فنائی، داور بین‌المللی ایرانی به دعوت فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) در یک دوره تشریحی برای داوران حاضر در مسابقات جام جهانی ۱۹۹۴ در ایالات متحده شرکت کرد. وی همچنین در مسابقات اخیر جام ملت‌های آفریقا در تونس داوری چند دیدار مهم را بر عهده داشت.

تیم ملی وزنه برداری ایران با کسب ۱۲ مدال طلا، ۴ نقره و ۶ برنز به مقام قهرمانی چهارمین دوره مسابقات بین‌المللی وزنه برداری "جام نامجو" نائل آمد. در چارچوب این مسابقات که در رشت برگزار شد، تیم‌های ترکیه و پاکستان به ترتیب به مقام‌های دوم و سوم دست یافتند. سه تیم اول موفق شدند به ترتیب ۴۱۳، ۱۹۴ و ۱۹۰ امتیاز آورند.

## ملی پوشان فوتبال در اردوی آمادگی

آری هان بازیکن سابق تیم ملی فوتبال هلند و مربی سابق تیم‌های باشگاهی در آلمان و بلژیک را مربی تیم خوانده است. لازم به ذکر است که از ۲۷ بازیکن تیم جوانان کشور ۱۷ تن تهرانی و تنها ۱۰ نفر شهرستانی هستند.

فدراسیون فوتبال ایران از ۳۲ بازیکن بزرگسال و ۲۷ بازیکن جوان دعوت کرد در تمرینات تیم ملی حضور یابند. گرچه در اطلاعیه رسمی فدراسیون مربوطه نامی از مربی تیم ملی به میان نیامده است، لیکن نایب رئیس فدراسیون در پاسخ به خبرنگاری جمهوری اسلامی

## دعوت برای تشکیل تیم‌های ملی

همچنین آقای دهنوی سرمربی تیم ملی وزنه برداری کشور اعلام کرد که از ۱۳ وزنه بردار برگزیده جام نامجو برای شرکت در اردوی آمادگی جهت اعزام به بازی‌های آسیائی هیروشیما دعوت به عمل خواهد آمد.

کمیته فنی فدراسیون کشتی برای تشکیل تیم ملی کشتی آزاد در ایران ۲۸ تن را به اردوی مقطعی فراخواند. از میان شرکت کنندگان در اردو تیم ملی کشتی آزاد ایران برای شرکت در مسابقات جهانی استانبول و بازی‌های آسیائی هیروشیما انتخاب خواهد شد.

## کشتی: نایب قهرمانی ایران در سوریه

الجزایر، تونس، فلسطین، لبنان، مراکش و مصر شرکت کرده بودند. تیم کشتی آزاد راه آهن موفق به کسب ۵ مدال طلا و یک مدال برنز شد. فرنگی کاران این باشگاه سه مدال طلا، یک مدال نقره و دو مدال برنز نصیب خود کردند.

کشتی‌گیران تیم راه آهن تهران موفق شدند در مسابقات بین‌المللی کشتی آزاد و فرنگی جام "باسل الاسد" در سوریه به نیابت قهرمانی دست یابند. در این مسابقات علاوه بر ایران و سوریه، تیم‌هایی از کشورهای اردن،

## حسره‌های کوتاه

### تظاهرات دانشجویان در همدان

دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان در روز ۲۲ فروردین ماه در سلف سرویس این دانشگاه اجتماع کردند و با شکستن شیشه‌ها و ظرف‌های غذا، اعتراض خود را نسبت به قطع شام که از طرف مسئولان آن دانشگاه اعلام شده بود، نشان دادند.

### بلیت اتوبوس‌های شرکت واحد گران شد

همراه موج گرانی کالاها و خدمات مختلف در آغاز سال نو، نرخ بلیت خطوط اتوبوسرانی تهران نیز افزایش یافت. نرخ بلیت اکثر خطوط اتوبوسرانی تهران بویژه در مناطق جنوبی شهر از ۲۰ ریال به ۴۰ یا ۵۰ ریال افزایش یافته است. به دنبال اعتراض و اظهار ناراضی مردم، شرکت واحد با انتشار اطلاعیه‌ای این گرانی را در رابطه با تأسیس خطوط سریع‌السیر در کنار خطوط عادی دانسته است. اتوبوس‌های سریع‌السیر مزبور فقط در ابتدای خط و جداگانه در دو یا سه ایستگاه مهم بین راه توقف می‌کنند.

### انفجار بمب در تهران

بر اساس خبرهای رسیده از خبرگزاری جمهوری اسلامی در اثر انفجار یک بمب در تهران ۱۳ نفر زخمی شدند. این انفجار روز سه شنبه ۳۰ فروردین در نیش خیابان انقلاب و سعدی بوقوع پیوست. جمهوری اسلامی طراخی و انجام این اقدام تروریستی را به عاملان رژیم عراق نسبت داده است. خبرگزاری رویترز از مراکش اعلام کرد که یک گروه مخالف سنی مسئولیت این انفجار را به عهده گرفته است. این گروه که خود را حرکت اسلامی می‌نامد اعلام کرده است که این بمب گذاری در اعتراض به تخریب مسجد سنی‌ها در مشهد صورت گرفته است.

### پاسخ ایران

### به بیانیه شورای همکاری خلیج فارس

وزارت خارجه‌ی ایران با انتشار اطلاعیه‌ای، بیانیه‌ی شورای همکاری خلیج فارس درباره‌ی جزایر سه گانه‌ی ایرانی را بی‌اساس خواند و آنرا بر خلاف نیات مبتنی بر حسن همجواری در منطقه و گامی در جهت منافع قدرت‌های بیگانه دانست. در این بیانیه آمده است که جمهوری اسلامی ایران همواره در انجام مذاکرات مستقیم با امارات پیشقدم بوده و همچون گذشته از این کشور دعوت می‌کند که به جای توسل به جنجال، حسن نیت خود را در انجام گفتگوهای دوجانبه برای رفع سوء تفاهم‌های فی‌مابین در چهارچوب نامه‌ی آقای "شیخ زائد" رئیس امارات عربی متحده به ریاست جمهوری اسلامی ایران به اثبات برساند.

### کاهش مقدار ارز همراه مسافر

از این پس هر مسافر می‌تواند تنها معادل ۳۰۰۰ دلار ارز به صورت اسکناس و یا چک مسافرتی همراه خود از ایران خارج کند. این تصمیم گیری که ظاهراً به منظور کاهش انتقال ارز از ایران و جلوگیری از کاهش بیشتر ارزش ریال می‌باشد اخیراً از سوی بانک مرکزی ایران اعلام شده است. قبلاً هر مسافر خارج از کشور می‌توانست معادل ۵۰۰۰ دلار ارز

### متولدین ۳۸ تا ۴۵

### می‌توانند شناسنامه تازه بگیرند

رئیس سازمان ثبت احوال کشور اعلام کرد: دریافت تقاضا و تحویل شناسنامه به متولدین ذکور ۳۸ لغایت ۴۵ که مشکل نظام وظیفه دارند بلا مانع است. وی افزود: افرادی که در داخل یا خارج از کشور برای دریافت شناسنامه با مشکل روبرو بودند، می‌توانند با مراجعه به ادارات ثبت احوال یا نمایندگی‌های خارج از کشور نسبت به دریافت شناسنامه‌های جدید اقدام کنند. وی تعداد افرادی را که با این مشکل روبرو هستند حدود یکصد هزار نفر اعلام کرد.

### ترور یک پیشمرگه کومله در عراق

دفتر نمایندگان حزب کومله در خارج از کشور اطلاع داد که رشاد کریمی پیشمرگ این حزب در شهر سلیمانیه روز سه شنبه نهم فروردین ماه ۱۳۷۳ مورد حمله‌ی تعدادی از تروریست‌های جمهوری اسلامی قرار گرفته و جان خود را از دست داده است. بر اساس اطلاعیه‌ی کومله رشاد یکی از هواداران قدیمی کومله بود که سه سال قبل به تشکیلات کومله در کردستان ایران ملحق شد.

### ممنوعیت فروش بلیت هواپیما به ارز

بدنبال شایعات مربوط به فروش بلیت به ارز توسط برخی شرکت‌های هواپیمایی خارجی، سازمان هواپیمایی کشوری جمهوری اسلامی با ارسال تذکره‌ای به همه‌ی شرکت‌های هواپیمایی خارجی در ایران هشدار داد که از فروش بلیت به ارز خودداری می‌کند. در این یادداشت آمده است: "این عمل (فروش بلیت به ارز) معارض حق حاکمیت دولت جمهوری اسلامی و مغایر با کنوانسیون‌های بین‌المللی و موافقتنامه‌های هوایی بین جمهوری اسلامی و سایر کشورهاست."



۳ سال پس از آغاز بهره برداری

## مجتمع فولاد مبارک به بانیمی از ظرفیت خود کار می کند

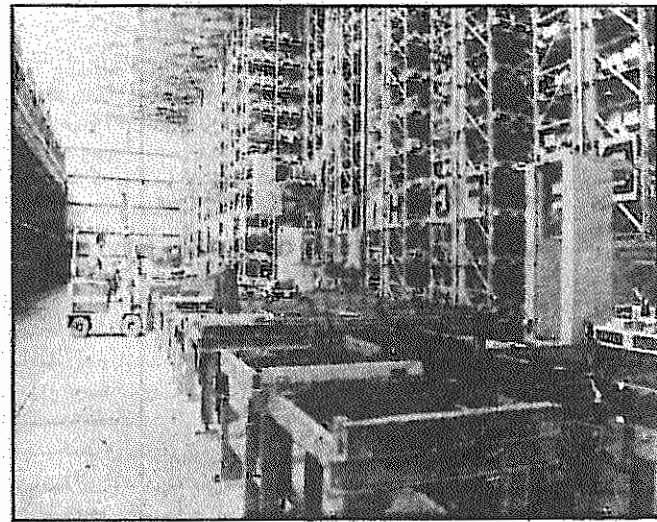
مجتمع فولاد مبارک که در سال ۷۰ بهره برداری از آن آغاز شد، پس از گذشت نزدیک به ۳ سال، هنوز تولیدات آن به نیمی از ظرفیت اسمی مجتمع نرسیده و بدلیل طولانی شدن اجرای طرح و تولید کمتر از ظرفیت خود، یکی از زیانده ترین پروژه های دولتی است. ظرفیت اسمی مجتمع، تولید ۲۵ میلیون تن فولاد در سال است و به هنگام آغاز بهره برداری مسئولان امر می گفتند که تولید آن به زودی به میزان ظرفیت اسمی آن خواهد رسید.

قرارداد احداث مجتمع فولاد مبارک در اوایل سال ۱۳۵۶ و در زمان رژیم سابق به امضا رسید و محل اجرای آن بندرعباس تعیین شده بود، اما در سال ۵۸ بنا به تصمیم مسئولان رژیم اسلامی، محل احداث مجتمع از بندرعباس به مبارک اصفهان تغییر داده شد و عملیات اجرایی از سال ۶۰ آغاز شد. در آغاز امضای قرارداد در سال ۵۶، مدت زمان اجرا و راه اندازی طرح ۴ سال تعیین شده بود، اما امروز با گذشت ۱۷ سال، و با صرف هزینه ای معادل ۸۱۱ میلیارد ریال که ۳۸ میلیارد دلار آن بصورت ارزی بوده، هنوز طرح نیمه کاره است.

در گزارشی که روزنامه رسالت درباره وضع مجتمع فولاد مبارک تهیه کرده، گفته می شود که یکی از علل تولید کم مجتمع، اشکالات در برخی از واحدهای آنست. از جمله، واحد گندله سازی به علت طراحی اشتباه آن قابل استفاده نیست و با واحد نورد سرد مجتمع که انواع ورق های فولادی جهت مصارف صنعتی از جمله در صنایع خودروسازی، سازه های ساختمانی، لوازم خانگی، لوله های

انتقال آب و نفت و گاز تولید خواهد کرد، راه اندازی نشده است. کیفیت کار و میزان تولید واحدهای مختلف مجتمع طوری است که مسئولان امور پذیرفته اند که کار مجتمع بیشتر یک راه اندازی آزمایشی است تا بهره برداری واقعی از این پروژه پرهزینه.

علاوه بر این، با وجود گذشت سه سال از راه اندازی پروژه فولاد مبارک، هنوز بخش عمده سنگ آهن مورد نیاز مجتمع از خارج وارد می شود. معدن سنگ آهن گل گهر که بسیار گران تمام شود. یکی دیگر از مشکلاتی که مجتمع فولاد مبارک با آن روبروست، عدم فروش محصولات مجتمع در بازارهای داخلی است. در حال حاضر انبارهای مجتمع انباشته از تولیدات به فروش نرفته است. یکی از مسئولان مجتمع ارزش محصولات انباشته را بالغ بر ۵۰ میلیارد ریال اعلام کرده است. به گفته این مسئول دلایل عدم فروش محصولات تولیدی در مجتمع فولاد مبارک، واردات بی رویه و ارزان فولاد از خارج و نیز



عدم توانایی خریداران و سفارش دهندگان محصولات برای پرداخت و ترخیص محصولات مجتمع است. مهندس عرفانیان مدیر عامل مجتمع می گوید یکی از دلایل عدم فروش محصولات مجتمع، تولید ورق های با ضخامت ۴ و ۵ و ۸ میلی متر است که در الگوی

به تازگی به مرحله بهره برداری رسیده است، تا پایان امسال حدود ۶۰ درصد نیاز مجتمع را به سنگ آهن تامین خواهد کرد. در صورت تحقق این پیش بینی، ۴۰ درصد بقیه نیاز مجتمع به سنگ آهن بازم از خارج تامین خواهد شد. این واردات باعث شده هزینه تمام شده فولاد

## تشکیل بزرگترین موسسه سرمایه گذاری توسط مقامات جمهوری اسلامی

علیرضا افشار، علی شمخانی، محسن رفیق دوست، سید علی نقی سید خاموشی، حسین علانی، علی اکبر امینی کافی آباد، حسین فهمیده، سید مصطفی میری و علی فلاحیان. بنا به اظهارات آقای میری این مؤسسه به دستور رئیس جمهور تشکیل شده است. پیش از مصاحبه مدیر عامل این مؤسسه، مسئولین بورس اوراق بهادار اعلام کرده بودند که در یک معامله بزرگ، ۱۴ بازرگان سهام شرکت ایران وانت را خریداری کردند. سید مصطفی میری مدیر عامل مؤسسه پیشگامان سازندگی مدعی است هیئت امنای مؤسسه و وراث قانونی آن ها هیچ گونه حق و سهم و منافعی در این مؤسسه و شرکت های تابعه آن ندارند. وی گفت: مؤسسه پیشگامان کار اقتصادی نمی کند، اما شرکت هایی که در ارتباط با مؤسسه فعالیت دارند، بخشی از سود خود را در اختیار آن قرار می دهند.

۱۲ مقامات رژیم جمهوری اسلامی با تشکیل یک شرکت خصوصی بزرگ به نام "مؤسسه پیشگامان سازندگی" وارد فعالیتهای کلان اقتصادی و سرمایه گذاری شدند. به نوشته روزنامه های تهران این مؤسسه در نخستین گام در یک معامله بزرگ ۶۷ درصد سهام شرکت ایران وانت را خریداری کرد. رقم این معامله حدود ۷ میلیارد تومان اعلام شده است. سید مصطفی میری مدیر عامل "مؤسسه پیشگامان سازندگی" در گفتگویی با روزنامه ها درباره اهداف این شرکت و بنیانگذاران آن گفت: "موضوع فعالیت مؤسسه استقلال اقتصادی کشور و استفاده مؤثرتر از توان نیروهای حزب الهی در توسعه اقتصادی کشور می باشد. وی اسامی اعضای "هیئت امنای" این مؤسسه را به ترتیب زیر نام برد: محسن رضانی، حمید میرزاده، محمد سعیدی کیا، علی لاریجانی، غلام رضا فروزش، سید علی غیری،

فعلی صنعت کشور قرار دارند. به گفته مدیر عامل مجتمع عمده محصولات انباشته در مجتمع از این اقلام می باشد. گفته می شود ورق های فولاد مبارک با نیازهای بازار کشور سازگار نیست، جهت صادرات تولید شده است، اما به دلیل بالا بودن هزینه تمام شده و مشکلات حمل و نقل خریدار خارجی پیدا نکرده است. بهای تمام شده هر تن فولاد در مجتمع فولاد مبارک بسیار گرانتر از نرخ آن در بازارهای جهانی است.

به این ترتیب علیرغم گذشت ۱۷ سال از عمر پروژه فولاد مبارک و بلعیدن سرمایه هنگفت که آن را در ردیف یکی از گرانترین طرح های فولاد در جهان قرار داده، همچنان زمین گرو صنایع و بازار داخلی کشور از محصولات آن بی بهره است. طرح فولاد مبارک بزرگترین سرمایه گذاری در کشور مازمین تولید فولاد است. بجز آن، دو مجتمع دیگری یعنی ذوب آهن اصفهان و مجتمع فولاد اهواز هست که مجموع تولید آنها کمتر از ۱۲ میلیون تن در سال است. بنا به آمارهای منتشره تولید سرانه فولاد در ایران ۵۶ کیلوگرم است. این رقم در ترکیه ۱۸۶ کیلوگرم و در عربستان سعودی ۱۵۷ کیلوگرم در سال است. لازم به یاد آوری است که میزان تولید فولاد و مصرف آن یکی از شاخص های توسعه اقتصادی و صنعتی و به عبارت دیگر قوه محرکه رشد و توسعه اقتصادی است. در سال های اخیر میزان مصرف سالانه فولاد در ایران حدود ۱۴۶ کیلوگرم بود. این میزان در عربستان سعودی ۲۳۸ کیلوگرم و در امریکای شمالی ۳۰۰ کیلوگرم است.

## مذاکرات با فرانسه به نتیجه نرسید

دولت فرانسه همانند آلمان و ژاپن تمایلی به تمدید بدهی های جمهوری اسلامی به مدت طولانی ندارد. گفته می شود فرانسه حاضر شده مهلت دریافت طلبها را حداکثر تا یک سال تمدید کند، اما دولت جمهوری اسلامی به دلیل بحران مالی و ارزی قادر به پرداخت بدهی های خود در آینده نزدیک نیست. تا پایان سال ۷۲ دولت جمهوری اسلامی مجموعاً ۱۳/۵ میلیارد دلار بدهی معوقه داشت که با توافق های اخیر با چند کشور اروپایی و ژاپن توانست مهلت پرداخت ۶/۵ میلیارد دلار آن را تمدید نماید.

مذاکرات نمایندگان بانک مرکزی جمهوری اسلامی و نمایندگان دولت فرانسه برای تمدید مهلت بازپرداخت بدهی های معوقه حکومت اسلامی به مؤسسات فرانسوی به نتیجه نرسید و ادامه مذاکرات به بعد موکول گردید. بدهی های معوقه جمهوری اسلامی به شرکت های فرانسوی بدون احتساب بدهی هایی که موعود پرداخت آنها سال ۹۴ است بالغ بر ۲۲۰ میلیون دلار است. دولت جمهوری اسلامی همزمان با آلمان، ژاپن، ایتالیا، سوئیس و اتریش، مذاکره با فرانسه را برای تمدید مهلت بدهی های خود آغاز کرد، اما

## بیش از یک میلیارد نفر

### در جهان به آب سالم دسترسی ندارند

سازمان بهداشت جهانی اعلام کرد که بیش از یک میلیارد نفر از مردم جهان به آب سالم دسترسی ندارند و حدود ۲ میلیارد نفر در شرایط غیر بهداشتی زندگی می کنند. به نوشته ی یک نشریه منتشر شده از طرف مرکز اطلاعاتی سازمان ملل متحد علیرغم سرمایه گذاریهای ملی و بین المللی و صرف بیش از ۱۳۰ میلیارد دلار هزینه از سال ۱۹۸۰ هنوز صدها میلیون انسان محروم از آب سالم و شرایط بهداشتی لازمه بسر می برند. مطابق همین گزارش بیش از ۱/۳ میلیارد انسان در کشورهای در حال رشد برای اولین بار در سال های ۸۰ به آب سالم و حدود ۷۵۰ میلیون نفر به امکانات بهداشتی دسترسی یافتند.

به گفته ی رئیس سابق بخش آب و بهداشت یونسف رشد سریع جمعیت در کشورهای در حال رشد پیشرفت های انجام گرفته در این عرصه را خنثی می کند. سازمان ملل برای جلب توجه به بحران آب در مقیاس جهانی روز ۲۲ مارس را با شعار تلاش فردی، ملی، منطقه ای و بین المللی برای محافظت از منابع آبی زمین، به عنوان روز جهانی آب تعیین کرده است.

## قرارداد گات، سازمان تجارت جهانی و پیامدها



طرح از توکانیستانی - ماهنامه صنعت حمل و نقل

زیر بناهای تولیدی و صنعتی قابل اتکاء هستند، در صورت پیوستن به گات ناچارند بخشی یا همه حمایت های خود را از تولیدات داخلی خود حذف کنند و تعرفه های گمرکی بر واردات را لغو نمایند. در چنین صورتی تولید داخلی در برابر کیفیت برتر و قیمت ارزانتر کالا های مشابه خارجی قدرت رقابت نخواهد داشت برای کشورهای با اقتصاد تک محصولی همچون ایران، پیوستن به گات به مبنای اضمحلال کامل حداقل توان تولید داخلی و محکوم به ماندن در چنبره اقتصاد تک محصولی است. بویژه محصولی چون نفت که آینده ای بیش از دوسه دهه بر آن متصور نیست.

سوم آنکه در قرارداد گات (توافقنامه مراکش) خطر گسترش تولید و تجارت جهانی برای محیط زیست تقریباً نادیده گرفته شده است. تنها بر اثر تلاش و مبارزه نیروها و گروه های هوادار محیط زیست بود که اجلاس مراکش به ایجاد کمیته ای جهت رسیدگی به امر تجارت و محیط زیست در سازمان تجارت جهانی رای مثبت داد. زمان نشان خواهد داد که قدرت و تأثیر این کمیته و تصمیمات آن تا چه حد خواهد بود. و سرانجام بعید نیست که کاهش کنترل و نظارت دولت ها بر امر تجارت بین المللی جای خود را به توافق ها و تبادلهای کنسرن ها و انحصارات بزرگ برای کنترل روندهای تجاری، به زانو در آوردن رقبا و جدی و هدایت اقتصاد جهانی در جهت منافع خود بدهد و بویژه آنکه در توافقنامه مراکش مکانیسم های بازدارنده ای در این زمینه پیش بینی نشده است.

داده اند، از توافقنامه گات تا حدودی سود خواهند برد. بگذریم از اینکه کشورهای صنعتی و پیشرفته با به کارگیری روش های نوین در تولید انبوه کشاورزی و با قبضه بازار محصولات کشاورزی جهان، صادرات زراعی کشورهای در حال توسعه را محدود خواهند کرد. کشورهای همچون کره جنوبی و هند و ... مجبورند بر اساس قرارداد گات سوبسید محصولات کشاورزی را حذف کنند و بازارهای خود را به روی تولیدات ارزانتر خارجی بگشایند. تظاهرات و درگیری های مختلفی که ظرف چند ماه گذشته در دهلی نو، ستول و ... صورت گرفت بازتابی از نگرانی های اهالی از اجرای قرارداد گات بود. علاوه بر آن کشورهای همچون کشور ما که فاقد

جهانی از سیاست دوپینگ و اعطای سوبسید به تولیدات داخلی خود دست بر نخواهند داشت. تلاش آمریکا و فرانسه برای اضافه کردن موادی به متن توافقنامه گات در زمینه رعایت حق و حقوق نیروی کار و حفظ محیط زیست نه از سر دلسوزی برای نیروی کار و محیط زیست کشورهای در حال توسعه بلکه در جهت ایجاد اهرمی بود که بواسطه آن بتوان ورود کالا های ارزانتر کشورهای تازه صنعتی شده جنوب به بازارهای جهانی را به بهانه عدم رعایت حقوق کارگران و تخریب محیط زیست مانع شد. دوم آنکه در میان کشورهای در حال توسعه تنها کشورهایی که اقتصاد خود را در جهت صادرات صنعتی و کشاورزی سمت و سو

قرار گرفته است. بالاترین مرجع سازمان تجارت جهانی کنفرانس حد اقل هر دو سال یکبار تشکیل می شود. امروز روزمراجه سازمان را یک شورای عمومی هدایت خواهد کرد که تصمیم گیری هایش بسته به اهمیت موضوعات، به رای دوسوم یا سه چهارم اعضاء منوط خواهد بود. محل استقرار این سازمان زنی خواهد بود و هر کشور عضو در ارگان های آن از یک رای برخوردار است.

در بیانیه پایانی اجلاس مراکش "سازمان تجارت جهانی" چنین توصیف شده است: "آ ایجاد سازمان تجارت جهانی آغاز فصل جدیدی در روابط اقتصادی بین المللی و زمینه ساز یک سیستم تجارتی باز، عادلانه و چند جانبه در راستای منافع و رفاه شهروندان کشورهای عضو است. گرچه سازمان تجارت جهانی ساختاری دموکراتیک تر از بانک جهانی و صندوق بین المللی پول دارد و بیکه تازگی و اقتدار کشورهای فروتمند جهان در آن تا حدودی سد شده، لیکن توصیف فوق از این سازمان نو بنیاد جای سوال و تردید جدی است. نخست آنکه کشورهای صنعتی به راحتی بازارهای خود را به روی کالاهای ارزانتر صادراتی کشورهای چون هند، برزیل و تایوان و ... نخواهند گشود و برای حفظ قدرت رقابت کالاهایشان در بازار

داد گری در سیمت

این قانون گرم انسان هاست که از آن گریه باه می سازند از زخا آتش و از بوسه آدم هارا

معرفی

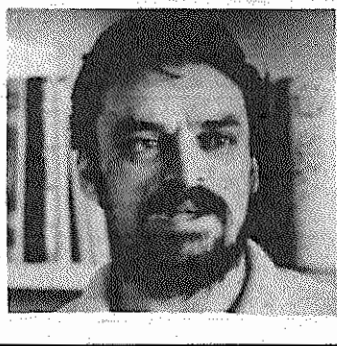
یک فرهنگنامه

یکی از فرهنگنامه هایی که بصورت گروهی در حال تدوین است و انتشار آن از سال ۱۳۷۱ شروع شده، فرهنگنامه کودکان و نوجوانان می باشد. کار تدوین این فرهنگنامه از سال پیش در شورای کتاب کودک آغاز شده و در این میان برخی از آغازگران راه همچون ایرج جهان شاهی (سرور استار) و هوشنگ ظریف زاده (ویراستار علوم) چشم از جهان فرو بسته اند. اما ساختار و سازماندهی کار به گونه ای است که جای رفتگان را افراد تازه نفسی می گیرند و از اخلاص در تدوین کار پیشگیری می شود.

فرهنگنامه مزبور مجموعاً در ۱۶ جلد منتشر خواهد شد. جلد دوم این فرهنگنامه در ویرایش اول است و شامل ۳۲۲ مقاله و ۴۲ نقشه و بیش از ۷۰۰ تصویر و جدول می باشد.

با نگاهی به جلد اول فرهنگنامه کودکان و نوجوانان می توان دریافت که پسوند "کودکان و نوجوانان" در نام کتاب غلط انداز و ناراست است، چرا که اگر جلد های بعدی نیز با همین دقت و جامعیت انتشار یابند، حاصل کار از "دائرة المعارف فارسی" تالیف زنده یاد غلامحسین مصاحب که به رغم نقص هایش تاکنون برترین فرهنگنامه فارسی بوده، کیفیتی به مراتب بهتر خواهد داشت و داشتن رجوع به آن به ویژه برای بزرگسالان نیز سودمند خواهد بود.

گریز از سکون، همگامی با زمانه



در باب گذشته گروه هنروایان به رهبری حسین علیزاده در فرهنگسرای بهمن (تهران) به اجرای بداهه نوازی و قطعات متفاوتی از علیزاده پرداخت و بار دیگر برخی نوازی ها و بداهت های وی را به نمایش گذاشت.

در این برنامه چهار تار نواز که عمدتاً از شاگردان علیزاده بوده اند، صدای ساز خویش را با تار و سه تار علیزاده در آمیختند و جرایبی پلی فونیک (چند صدایی) با ریتم و ملودی های هماهنگ و شورانگیز ارائه نمودند.

علیزاده از جمله موسیقیدانان برجسته ای است که با وقوف کامل به محدودیت های موسیقی ایرانی می کوشد آن را تا حد ممکن از قید و بند اوزان کلامی و شعری و ارهاند و به آن شخصیتی مستقل از کلام بدهد، چرا که به نظری موسیقی اگر صرفاً بخواهد در چارچوب اوزان شعری حرکت کند و ریتم آن به شعر وابسته باشد، حتی پستی و بلندی های ملودی در حد صدای انسان و خواننده محدود می شود و آن موسیقی دچار بحران و قید و بند می شود. ردیف های موسیقی ما حتی در بخش ردیف های سازی به نوعی آوازی است. یعنی نوازنده در واقع آن ردیف ها را بدون کلام اجرا میکند این برای موسیقی سازی یک محدودیت بسیار بزرگ است. (روزنامه همشهری، ۲۸ آذر ۱۳۷۲). در همین راستا علیزاده بیشتر ساخته های متا و خروجدید خود را بدون ارجاع به نقش راهبر کلام تنظیم و اجرا می کند و از این رو گروه وی معمولاً بدون خواننده است. البته منظور علیزاده این نیست که با حذف خواننده از ارکستر همان اجراها و ملودی های سنتی و همیشگی ارائه شود. به گفته وی پدیده ای که پس از انقلاب شاهدش هستیم، این است که اگر نوازنده بخواند برنامه خود را بدون آواز و بصورت تکنوازی ارائه بدهد، اگر خواننده ای هم در دسترس نباشد، خود نوازنده می خواند. در حالی که اگر واقعاً بخواهد موسیقی "سازی" (بی نیاز از کلام) ارائه بدهیم، لازمه اش این است که تمام ارتباطی که می باید بین نوازنده و نوازنده برقرار شود، با زبان ساز و بدون کلام به انجام برسد. در

انسان هستیم و در رابطه با زمان با تاریخ پیش می رویم. همین امروز ممکن است احساس متفاوتی در مقایسه با دیروزمان داشته باشیم، چیز تازه ای دیده یا شنیده باشیم و نکته تازه ای آموخته باشیم که آنها را باید با زبان هنر هم بتوانیم ارائه بدهیم. ... متناسفانه خیلی از شغولگان خوب موسیقی ایرانی هم انتظارشان از این موسیقی کم است و وقتی به نواری گوش می دهند، اغلب با گذشته خودشان با موسیقی حرکت می کنند و دلشان می خواهد با آن تداعی خاطر بکنند. کمتر اتفاق می افتد که این شغولگان با توجه به آینده با موسیقی ایرانی کنار بیاید. البته تداعی خاطر و "توستالژی" می تواند لذت بخش باشد، چون انسان همواره با گذشته خود نوعی ارتباط دارد، اما توصیه من به شغولگان موسیقی ایرانی این است که همراه با گذشته، به آینده نیز بنگرند و وقتی موسیقی گوش می کنند، صرفاً برای تداعی خاطر نباشد. (فصلنامه آوا شماره ۷)

از جمله کارهای درخور اعتنای علیزاده در زمینه متحول و امروزی کردن موسیقی ایرانی تلاش وی برای تاسیس یک ارکستر بزرگ از سازهای ملی ایران است. علیزاده بر آن است که در موسیقی ایرانی به جز ریتم ها، ملودی و سازهای چند شهر بزرگ، از امکانات موسیقایی بسیاری از نقاط کشور از شمال و جنوب و غرب اثر چندانی دیده نمی شود. و این در حالی است که "مادر موسیقی محلی خودمان نوعی موسیقی چند صدایی داریم که از آنها می توانیم آگاهانه استفاده کنیم. ریتم که هم تا دلنمان بخواهد. ... می دانید که رقص یکی از پایگاه های مهم ریتم است و در واقع به خاطر این همه ریتم های متنوع در موسیقی های محلی است که مادر کشور این همه رقص متنوع داریم. (همانجا)

ارکستر بزرگ سازهای ملی قرار است که سازهای بادی، زهی، مضرابی و کوبه ای از نقاط مختلف کشور را شامل شود و خوانندگی آن را نیز به یک نفر بلکه گروه خوانندگان بر عهده خواهد داشت.

اوژن یونسکو نامه نویس مشهور در گذشت

از دست رفتگی انسان و درک ناپذیری پدیده مرگ از جمله مسائل مطروحه در نوشته های یونسکو به شمار می روند. وی بر آن بود که در زندگی انسان از هشت سالگی به بعد هیچ چیز مهم و جالبی کردار انسان ها، فاعل و مفعول (مجرم و قربانی) پیوسته جا عوض می کنند. اولین تجربه تئاتری یونسکو به نام "زن کچل خواننده" با ناکامی همراه بود و بیشتر شب ها تنها تماشاگر این تئاتر کسی جز زن یونسکو نبود. تنها تبلیغ و تمجید چهره های برجسته ای همچون راجر ویتراک، ساموئل بکت و آندره برتون بود که نام او را بر سر زبان ها انداخت و دوستان اران تئاتر را به تماشای آثار او کشاند.

یونسکو در کارها و اجراهای خویش بسیاری از قواعد مرسوم را نفی کرد و بداهت و عمل آزادانه ذهن را جایگزین آنها نمود. این جنبه از کار یونسکو در آثار و آفرینش های هنرمندان و نویسندگان تئاتر و سینمای نسل بعد کم و بیش اثر گذار بوده است. به گمان بسیاری از ناقدان و تئاترشناسان آثار یونسکو و دیگر برجستگان تئاتر پوچی در فضایی پدید آمد که جنایت و وحشیگری جنگ جهانی دوم هستی انسان و معنای آن را سوال انگیز کرده بود و

موسیقی خراسانی

در آوای دلنشین

سیماینا

سیماینا، خواننده ای که سال های پیش از انقلاب با اجرای دل انگیز ترانه های ملی و محلی (خراسان) در عرصه موسیقی ایران حضوری فعال داشت، با استقرار حکومت اسلامی و ممنوعیت خوانندگی زنان چند سالی را در خاموشی به سربرد و بیشتر به نقاشی، پژوهش درباره موسیقی خراسان و آموزش موسیقی به هنرآموزان مشغول بود. اما در اواخر دهه پیش سیماینا با ارائه نواری شامل اجراهای جدید از ترانه های بومی و ملی دیوار محدودیت ها را شکست و علاقه مندان به موسیقی ایران توانستند دوباره صدای گریه او را که حالا جا افتاده تر هم شده بود، بشنوند. شنیدن اجراهای زنده سیماینا بویژه برای نسل های دهه چهل و پنجاه که ترانه های معروف او همچون "مجنون نبودم"، "عزیز بشینه کنارم"، "ای بانو... راهنورد خاطر خود دارد، بی شک شوق انگیز و شوربخش است. بی سبب نیست که کنسرت های او بویایی وی در یک ماه گذشته با استقبال نسبتاً چشمگیری مواجه شده است.

سیماینا از ۱۹ مارس (۲۸ اسفند) به همراه حمید خضری (دوتار)، جمشید عندلیبی (تی)، فرهاد عندلیبی (دف) و مجید درخشانی (سه تار) اجراهای قسمی تازه ای از موسیقی خراسان را به ایرانیان علاقمند مقیم اروپا عرضه می دارد. کنسرت سیماینا شامل دو قسمت است که در قسمت اول آن وی با لباس محلی شمال خراسان به صحنه می آید و ترانه هایی از آن دیار می خواند قسمت دوم کنسرت به موسیقی جنوب خراسان اختصاص دارد.

آخرین کنسرت های سیماینا در وین و مونیخ برگزار خواهد شد. وین ۱۳۰ آوریل مونیخ اول ماه مه

انتشار

روزنامه اطلاعات

در خارج از کشور

اولین شماره اطلاعات چاپ لندن قبل از تحویل سال نورد و ازده صفحه و در قطع بزرگ انتشار یافت و تاکنون دو شماره آن توزیع گردیده است. اطلاعات چاپ لندن که در خارج از کشور منتشر خواهد شد فعلاً بصورت هفتگی است اما فراز است در آینده نزدیک به صورت روزانه منتشر شود.

اطلاعات خارج، یک هفته نامه خبری است که در عین حال مطالب سیاسی، فرهنگی را نیز دربردارد. صفحه آخر این روزنامه به رویدادهای ایران و به زبان انگلیسی اختصاص داده شده است. هیئت تحریریه هفته نامه اطلاعات در تهران مستقر است و مطالب و صفحه آرایی خود را از طریق کامپیوتر و خطوط مخابراتی به لندن می فرستد. مدیر مسئول - اطلاعات - سید محمود عابدی می باشد و سردبیر آن احمد سام، سردبیر سابق ماهنامه - ادبستان - است.



## مجاهد به کدام امامزاده قسم می خورد؟

حسن جعفری

این روزها وظیفه حمله به اپوزیسیون دموکرات در نشریه مجاهد به عهده آقایان رضا روحانی و مهدی سامع گذاشته شده است. معلوم نیست این به خاطر خراب کردن همه پل های پشت سر این آدم هاست (مگر پلی هم در پشت سرمانده؟) یا بهانه ای است که اینان بایند در ازای وعده های وکیل و وزیر شدن بپردازند؟ (حساب کنید بهائی که با زای خود وزیر شدن باید بپردازند چقدر است؟) به هر حال به قول بیژن جزینی این ها سنگ هائی است که به طرف ما پرتاب شده اند و کسی یا سنگ طرف نمی شود، روی صحبت با پرتاب کنندگان سنگ است. مجاهدین بعد از واقعه ترور میکونوس با موفقیت های چشمگیری که اپوزیسیون دموکرات ایران برای اولین بار در تاریخ ترورهای رژیم جمهوری اسلامی در فعالیت های وسیع تبلیغی و افشاگرانه خود علیه رژیم به دست آورده بود، روپوش شدند و از آن جا که برای آن ها مبارزه علیه هر رقیب سیاسی دیگری هیچ رو کم اهمیت تر از مبارزه علیه رژیم نیست، ناگهان احساس کردند که این بار قافیه را باخته اند.

برای مجاهدین این مهم نبود که برنامه های افشاگرانه اپوزیسیون دموکرات در مطبوعات و رادیو و تلویزیون آن چنان واقعه ترور میکونوس را در افکار عمومی مردم، روشنفکران، رسانه ها و پارلمان آلمان برده که برای دولت آلمان چاره ای جز محاکمه عاملین ترور باقی نمانده است و از این همه هر نیروی ضد رژیمی بایند حمایت کند، بلکه مسئله این بود که حتی به قیمت مسخ این تلاش ها، به قیمت جلوگیری از مبارزه علیه تروریسم رژیم هم که شده بایند جلوی این موفقیت ها را گرفت. البته این سیاست را مجاهدین در جریان میکونوس اتخاذ نکردند، این سیاست سال هاست که اتخاذ شده و ادامه دارد. کدام شماره نشریه مجاهد را می توانید پیدا کنید که جدا از دو بخش تعریف و تمجید های بیمارگونه از خود و حمله به رژیم، خالی از بخش سوم یعنی هتاک و فحش و دشنام به هر دو گرانندیش دیگری نباشد؟ مهم هم نیست که این غیر خودی چه کسی وجه نیروی باشد، از هنرمندی مثل شهرام ناظری گرفته تا نویسندگان آدینه و دنیای سخن، از مدافع بگیر حقوق بشر چون علی اصغر جواد گرفته تا فدائیان اکثریت و راه کارگر. در این راه از فحاشی و هتک حرمت و به کارگیری واژه های سخیفی که فقط شایسته نشریه مجاهد است (و انصافاً نمونه هایش را فقط در نشریات اسلامی دیگری می توان دید) گرفته تا تهدید هائی از این دست که اگر رهبر اجازه بدهد حقتان را کف دستتان می گذاریم (این فرهنگ هم برای ما ناشناخته نیست.) و وعده مجازات های وحشتناک در حکومت خیالی آینده استفاده می کنند.

داشتند، مطلبی است که با کمال تعجب نه تنها به هیچ وجه مورد علاقه نشریه مجاهد نیست و وزنی در نقل اخبار داد گاه میکونوس ندارد، بلکه بر عکس سعی می شود زیر این گردوغبار به فراموشی سپرده شود. اصولاً تنظیم این مطالب طوری است که کسی که اندک اطلاعی از جریان داد گاه برلین داشته باشد نمی تواند غیر از این فکر کند که آن ها در یک اطاق در بسته در پاریس تنظیم شده اند. یکی از مسئولین مجاهدین در برلین در پاسخ اعتراض عده ای می گفت اشکال کار این بود که کسی که این گزارشات را تهیه کرده آلمانی اش ضعیف بود و مطالب را نفهمید و همه این ها تصحیح خواهد شد، و وقتی به او گفته شد در مورد کسانی که به فارسی هم حرف زدند همین جملیات تکرار شده و ربطی به آلمانی دانستن یا ندانستن ندارد گفت این ها همه در بالا مورد بررسی است. با خوش بینی فرض را بر این می گذاریم که این مسئول نمی داند که اصولاً این مطالب در خود بالا تنظیم شده و ربطی به فرد آلمانی ندان ندارد!

البته کار به همین جا ختم نمی شود. بر اساس این اخبار جعلی و دروغ دو نفر یاد شده که قلم را با چماق عوضی گرفته اند به پیروی از منطق دروغ هر چه بزرگ تر و تکرار هر چه بیشتر در چند شماره پیاپی نشریه مجاهد دست به سخن فرسائی زده و با یافتن زمین و زمان به هم سازمان مارا در مظان اتهام قرار داده و جواب دروغ های خود را از سازمان می خواهند، مجاهدین که حیثیت و شرف انسانی برایشان هیچ ارزشی ندارد از سازمان می خواهند که اگر راست می گوید آن دسته از فعالین سابق خود را که به هر دلیل و به هر طریقی ظن ارتباط با رژیم به آن ها می رود، افشا کند. مجاهدین نمی توانند درک کنند که اصولاً این جا صحبت بر سر دو فرهنگ بیگانه از هم است. ما دارای این فرهنگ نیستیم که انسانی را که از سیاست کناره گرفته و می خواهد زندگی عادی داشته باشد، می خواهد به ایران برگردد، حتی اگر تفکر و عمل او را نادرست هم بدانیم، افشا کنیم. ما دارای این فرهنگ نیستیم که یکی از اعضای سازمان مان را پیش پزشکی در برلین بفرستیم تا اظهار ناراحتی عصبی و روانی کند که فرزندم در ایران است و دولت نمی گذارد خارج شود، از دکتر نامه ای برای سفارت بگیریم که لطفاً به کار این بیمار رسیدگی کنید، بعد نامه را در نشریه مان به چاپ بزنیم که بفراستد، یک عامل دیگر رژیم را کشف و افشا کردیم از

در ادامه چنین سیاستی است که مجاهدین به منظور اختلال در مبارزات اپوزیسیون دموکرات علیه ترور، نماینده ای به پلیس جنائی آلمان می فرستند و در آن جا این ادعا را طرح می کنند که گویا زنده یادان د کتر شرفکندی و نوری دهکردی و دیگران در شب واقعه ترور جهت مذاکره با نجاتی ما مورامین رژیم در ستوران میکونوس جمع شده بوده اند. از رسوائی ای که این ادعا در داد گاه برای مجاهدین به وجود آورد همگان اطلاع دارند. آقای نماینده که زمانی از اطلاعات محرمانه سازمانی صحبت می کرد زمانی از اطلاعی که میلیون ها مجاهد در سراسر جهان دارند! در اثرا ضرار رئیس داد گاه برلین که برای این ادعا دلیل و مدرک می خواست مجبور شد بگوید که این فقط تصور ش "بوده است. اگر این حرف را هم باور کنیم، چه کلمه ای می تواند وارد کردن آنها می چنین بزرگ رابه عده ای آن هم بر اساس تصور توضیح دهد؟ این حرکت های مذموم اتهام زدن به دیگران در همین جا تمام نمی شود. نشریه مجاهد در چند شماره پیاپی خود بی شرمانه مطالبی را از قول شاهدان داد گاه جعلی می کند که معلوم نیست از کدام جعبه جادویی خود در آورده است. در میان تمام شاهدان داد گاه فقط یک نفر از فعالین سابق اظهار داشت که یک بار با صدیقی ما مورد فتر تحقیقات استراتژیک ملاقات داشته است (مطلبی که تازه نبود خودی قبلاً آن رابه همه گفته بود). هیچ کس از تماس با ما مورامین رژیم به نام نجاتی حرف نزد و اصولاً غیر از همین یک مورد کسی نه در مورد خود و نه در مورد فرد دیگری چنین مطلبی را طرح نکرد. اما در نشریه مجاهد از همین یک مورد تمام شاهدان داد گاه یا به نجاتی و صدیقی و سفارت جمهوری اسلامی وصل شدند یا قصد مذاکره با رژیم را داشتند و یا آن را تایید و تشریح کردند! نشریه مجاهد و قبحانه آن چنان فضائی را تصویب می کند که گویا نه این که این افراد برای شهادت علیه رژیم به داد گاه دعوت شده بودند بلکه "داد گاه صحنه اعتراف های بی دردی شهود به روابط پنهان و نامشروع با عوامل جمهوری اسلامی بود! و این همه شهادت هیچ یک از شاهدان نبود همین مطالبی است که فقط در نشریه مجاهد می توان دید. مضمون اصلی صحبت های بیان ریشه های سیاسی مسئله و دلیلی بود که شاهدان مبنی بر دخالت جمهوری اسلامی در این ترور

پیرامون سیاست و مسائل سیاسی و بحث و صحبت فراوان می شود. بویژه اگر نظر دهنده بار مسئولیت کمتری را حامل باشد، یا ل های سخنش فراز بیشتری می تواند یابد و محدوده کلماتش گستره بیشتری، چرا که نه غم تاثیر و بازیافت سخنش را دارد و نه پروای گزند و بازیافت کلامش.

اما هر چه مسئولیت سیاسی و سازمانی فرد افزون شود و بهتر درک گردد، کلام او گرایش و میل به اختصار و دقت، و قدرت استدلال می یابد و بویژه ترکیبی به آینده خواهد بود: یا سخن سنجیده گویا مرد دانا یا خموش!

اگر واقع بین باشیم و بخوایم درد و کلمه اهمیت نشریه کار را برای جنبش چاپ بیان کنیم همین بس که بگویم امروز نشریه کار مهم ترین و جدی ترین نشریه چاپ ایران و در واقع سخنگوی اصلی چاپ ایران است. امروز "کار" نقش محوری در چاپ را ایفاء می کند و سخنش بر این نقطه نظرات چاپ ایران است.

در اینجانه اغراقی هست و نه خاصه خرجی. بویژه اینکه نگارنده هیچ گاه "فدائی" نبوده است. مسئله تعارف همین مسئله و واقعیت است. به همین جهت بهتر است همین جا به کسانی که خیلی در مورد لزوم ایجاد یک نشریه برای اتحاد چاپ اصرار دارند، خیلی ساده گفته شود، دوستان انرژی کم و بیش محدود را به پراکنده کاری و خرده کاری نیا ناند، "کار" امروز از گان چاپ ایران شده است و بهتر و مفید برای جنبش آن است که دیگر نشریات چاپ شکلی کم و بیش نظری به خود بدهند و شکل و شمایل مجله ای و پژوهشی یابند و در عوض "کار" رابه عنوان نشریه سیاسی چاپ هر چه بیشتر تقویت کنند. (شاید این پیشنهاد برای برخی نیروهای چاپ گران آید و آنها نقش خود را در جنبش چاپ خیلی بیشتر می بینند. به این دوستان باید گفت: سرنوشت چنین است، از آن گریزی نیست.)

این چند کلمه و پیشنهاد را از آن جهت در اینجا ذکر کردم که نشان دهم چه سطح مسئولیتی را برای "کار" قائل هستم و توقع و انتظارم از چنین نشریه ای در چه حدی است. و هر کلمه و واژه ای که در این چند صفحه می آید چه بار وزنی می تواند داشته باشد و تا اینجا مقدمه ای بود تا با خواننده زمینه ای پیدا کنم برای طرح مسئله اصلی که منجر به تهیه این مقال شد:

آنچه در یافت نشریه کار مشاهده می شود یکی هم اینست که افت و خیز سطح مقالات و موضع گیری های بی امضاء بسیار زیاد است. مقالاتی که دارای امضاء هستند، تکلیفشان روشن است، اما چرا مقالات بدون امضاء این چنین متفاوت است؟ سر مقالات و

## رابطه چاپ با سازمان مجاهدین را باید نو سازی کرد

کیخسرو مهر آئین

قصد دارد چه کسانی را بخنداند؟ "مزه پراکنی" بی مسئولیتی که به تنها چیزی که فکر نمی کند مناسبات دنیوی سیاسی مهم کشور است.

این "مزه پراکنی" کوتاه را چندین بار خواندم. هر بار تا سقم بیشتر شد. شست و برخواست نویسنده یا چه کسانی است؟ "ظریفان" که وی از آنها نقل می کند، چه کسانی اند؟ چرا وقتی حرف از حضور زنان در مبارزه سیاسی به میان می آید، وی یاد "خال سیاه مهرویان" می افتد؟

این جمله ای که وی نوشته چه معنی می دهد: "همه مردها از رهبری سازمانشان کنار گذاشته شده اند و من بعد فقط زنها را رهبری می کنند!" اگر همه رهبری سازمانی مرد باشند جای ایرادی نیست و وقتی زنی وارد رهبری شد باید "خال سیاه مهرویان" تداعی شود و اگر تمام رهبری از زنان انتخاب شدند (بدون توجه به اینکه لیاقت و توان سیاسی رهبری هر سازمانی را اعضای آن سازمان می سنجند) دیگر باید فاتحه سازمان را خواند!

از نویسنده چند سوال دارم: در شورای مرکزی فدائیان چند نفر زن شرکت دارند؟ آیا سازمان در مدت ۲۳ سال فعالیتش نتوانسته کادرهای زن تربیت کند و یا زنان توانایی رهبری ندارند و یا اینکه رهبری سازمان در زنان تنها همان "خال سیاه مهرویان" را می بیند و بس؟

قصد ندارم تیز و تند بنویسم اما چه کنم که می سوزم از این همه کمبود درایت سیاسی! چرا کسی نمی پرسد مجاهدین چه کرده اند که این همه زنان فعال و مبارز (با نظرات درست و بی نادرست) تربیت کرده اند؟ مگر نه اینکه در ابتدای تاسیس اعضای زن هر دو سازمان تقریباً مساوی بودند؟ فدائیان چه کرده اند که آن شیر زن فدائی که ایران با نام او آشناست باید در گوشه ای بنشیند و حتی یک سخنرانی برایش ترتیب داده نشود!

باشد اینجا نقل و قول نمی آورم که "بدون شرکت

زنان، جنبش انقلابی به پیروزی نخواهد رسید" اما حقیقتاً ببینید که با یک "مزه پراکنی" کوتاه چه "آندرون" ضایع و نادرستی بر ملا می شود: نه حداقل دقت در رابطه با تنظیم مناسبات با مجاهدین در نظر گرفته شده است و نه حداقل توجه به اهمیت حضور چشم گیر زنان در مبارزه سیاسی بگذرا از این "مزه بی مزه بگذریم که سخن به درازا می کشد و البته چاپ نخواهد شد (تا اینجا هم معلوم نیست چاپ شود!)

در کار شماره ۱۷۳، ما، باردیگر با خبری مواجه شدم با این عنوان که "حمله هواداران مجاهدین به کنسرت شهرام ناظری". ای بسا جای تأسف از این جور ردیف کردن خبر!

با یک تماس کوتاه با مسئولین و فعالین مجاهدین می توان فهمید که هواداران سازمان مجاهدین برای "فحاشی" به آقای شهرام ناظری به سالن کنسرت نیامدند بلکه هدف آنها افشای خط رژیم در مورد منحرف نمودن پناهندگان از مبارزه سیاسی علیه رژیم و متفعل کردن آنها و نهایتاً بازگرداندن پناهندگان به کشور و بکارگیری آنها در جهت سرکوب نیروهای فعال سیاسی جامعه است. آیا کسی می تواند این سیاست روشن رژیم را منکر شود؟

اینکه افشاگری در کنسرت کار درستی است و یا حرکت اعتراضی مجاهدین شکل و شیوه درستی داشته است یا نه مسئله ای است که باید به آن پرداخته شود و جوانب گوناگون مسئله حلا جی گردد. نظر نگارنده این است که این شیوه کار، مبارزه را با رژیم دشوارتر می کند و مسائل فرعی و بی اهمیت را عمده می کند در نتیجه باید از آنها اجتناب کرد. ولی نتیجه گیری که در "کار" آمده بکلی به صحرائی کربلا زده و روضه دیگری میخواند در خیر میخوانیم که: این اقدام مجاهدین پس از ورود بخشی از نیروهای این سازمان به اروپا این نگرانی را بر وجود آورده است که نیروهای این سازمان که اخیراً از عراق به اروپا آمده اند اقدامات سرکوبگرانه علیه غیر خودی ها در اروپا را تشدید کنند؟

یعنی مجاهدین سه بار محکوم می شوند: یکی وقتی است که به اروپا آمدند، دیگری وقتی است که به عراق رفتند و سومی آن است که دوباره به اروپا بازگشتند! این یعنی سیاست دقیق در قبال سازمانی که به اعتراف گزارشگر "کار" آنقدر نیرو دارد که به تنها نتایجی قادر است اقدامات سرکوبگرانه اش را در اروپا تشدید کند!

گمان می کنم یک مسئله مهم برای نویسنده این خبر حل نشده است و شاید به آن فکر هم نکرده است که بدون موافقت و حضور مجاهدین در ایران دموکراسی پایدار و

## حماسه "های مارکت"

"های مارکت"، میدانگاه یک بازار قدیمی در شیکاگو بود و زادگاه یک حماسه در تاریخ جنبش کارگری در جهان. در شیکاگو مکانی وجود دارد که برای کارگران چپ آمریکا همانقدر گرمی است که "دیوار کمونارها" در گورستان پرلاشز برای همزمان فرانسوی آنها. جایی که بنای مرمین یادبود قهرمانان "های مارکت" قدبرافراشته است، یادگار قهرمانی های آلبرت پارسونز، آگوست اسپایز، جرج انگل، و آدولف فیشر.

و در چند قدمی این بنا، ویلیام فاستر، ایگین دابز، الیزابت گولی فلین، الکساندر تراشنبرگ، سوزی پارسونز، فرانک پله گرینو و شمار دیگری از افتخارات جنبش کارگری آمریکا آرمیده اند. هر سال، هر بهار، در آخرین یکشنبه ماه آوریل، این بنای مرمین به نشانه سیاست و تجدید عهد، با حلقه های گل سرخ پوشانده می شود.

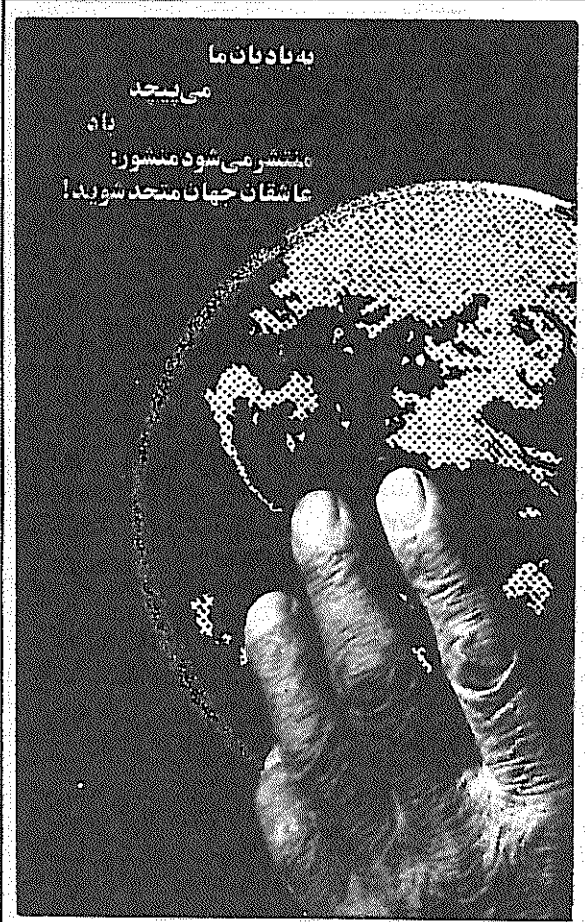
سنت اول ماه مه، در آزمون مبارزه

طبقاتی پدید آمد. مبارزه برای تامین یک حق بدیهی اما اساسی یا حق ۸ ساعت کار در روز، در آن زمان (اواخر قرن نوزدهم) در جنبش کارگری، هیچ شعاری به اندازه ۸ ساعت کار در روز، همگانی و مورد تایید نبود. در شیکاگو سازمانی بنام اتحادیه کارگری ۸ ساعت کار در روز فعالیت می کرد. شیکاگو کانون نهضت کارگری چپ بود و پرتب و تاب ترین و پیشروترین بخش آن. کارگران در بخش اعظم واحدهای بزرگ تولیدی برای دستیابی به این حق دست به اعتصاب زدند. اعتصاب، بطور همزمان در روز اول ماه مه ۱۸۸۶ با شرکت صدها هزار تن از زحمتکشان سراسر آمریکا آغاز شد. متجاوز از ۳۸۰ هزار کارگر شاغل در بیش از ۱۱ هزار کارخانه در این حرکت شرکت کردند.

اما تظاهرات مسالمت آمیز کارگران، با توطئه پلیس به خون کشیده شد. و در پی آن، شاخص ترین

رهبران و سازماندهندگان جنبش بازداشت، محاکمه و اعدام شدند. مراسم تدفین پارسونز و یارانش به بزرگترین تظاهرات کارگری شیکاگو بدل شد. بیش از نیم میلیون نفر از مردم شیکاگو به خیابانها آمدند تا به شهدای جنبش ۸ ساعت کار ادای احترام کنند. اما بزرگداشت خاطره قهرمانان شیکاگو تنها به ادای احترام در مراسم تدفین آنها منحصر نشد، بلکه به سنتی تاریخی و جهانی بدل گردید. اول ماه مه، مظهر تداوم پیکار تاریخی و بین المللی زحمتکشان جهان برای تثبیت حقوق کار و تامین آزادی، صلح و ترقی گردید.

حماسه "های مارکت" امروز نیز چون دیروز، نیرو دهنده و الهام بخش است. تا مگر فردا که انسان دوست انسان شد و شمشیر به تیغه گاو آهن بدل گردید به مثابه حماسه ای از جهان امروز ما، به تاریخ پیوندد.



به یاد بان ما

می پیچد

بان

منتشر می شود منسوز  
عاشقان جهان متحد شوید!

## پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### بمناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر

#### کارگران و زحمتکشان ایران!

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، اول ماه مه، روز کارگر را به شما همیما نه شاد باش می گوید و این سنت در سال را که مظهر پیکار تاریخی زحمتکشان جهان برای آزادی، عدالت، صلح و پیشرفت است، گرامی می دارد.

در کشور ما بیش از هفت دهه است که روز جهانی کارگر، به رغم همه مشکلات، توسط زحمتکشان، و همه آزادی خواهان و روشنفکرانی که خود را با آماج های انسانی اول ماه مه همسومی دانند، پاس داشته می شود. در این سال های طولانی، مردم میهن مادوره های دشوار و دردی را از سر گذرانده اند، اما در هیچ دوره ای از این سالیان، چون امروز زندگی قشر زحمتکش جامعه این چنین مشقت بار، امنیت شغلی آنها متزلزل و آینده شان تا بدین حد نگران کننده نبوده است، هیچگاه چون امروز، سنگینی بار محرومیت و بی عدالتی را بر شانه های خود احساس نکرده اند. سال های عمر رژیم اسلامی، سال های سقوط مداوم سطح زندگی اقشار زحمتکش، گسترش بیکاری و تشدید نا امانی شغلی و اجتماعی بوده است. اکنون پس از ۱۵ سال، به رغم همه وعده های گزاف حکومتیان، بیش از نیمی از جامعه زیر خط فقر زندگی می کنند. بیکاری تا ۴۷ درصد نیروی قادی به کار جامعه رافرا گرفته، صنعت کشور رو به فرسودگی نهاده و شمار شاغلین در کارهای تولیدی به کمتر از ۶ درصد جمعیت کشور کاهش یافته است. حداقل دستمزد کارگران، ماهانه بین ۱۱ تا ۱۳ هزار تومان است، در حالی که حداقل هزینه زندگی طی ماه های اخیر، به رقم ۴۲ هزار تومان رسیده است.

در این سال ها به همان سرعتی که اکثریت جامعه به سوی فقر رانده شده اند، اقلیتی کوچک به ثروت های افسانه ای دست یافته اند. چنانکه، نقدینگی موجود در دست ۳ هزار خانواده بخش خصوصی، برابر بود چه عمومی دولت است. اینان کسانی هستند که کمترین نقشی در تولید اجتماعی و ارزش آفرینی ندارند بلکه تنها بر حاصل کار زحمتکشان بیدی و فکری کشور چنگ انداخته اند. نفوذ قدرت این گروه در حاکمیت اسلامی اکنون بیش از پیش شده است. گروهی که با هر گونه کار مولد بیگانه و نسبت به سرنوشت کشور و مردم بی تفاوت و تنها در اندیشه ثروت اندوزی از راه آسان تجارت ودلالی اند.

بی کفایتی زمامداران اسلامی در سامان دادن امور اقتصاد و جامعه از یکسو، و کاهش درآمدهای ارزی کشور از سوی دیگر، اقتصاد کشور را به بحرانی ژرف دچار کرده است که در نتیجه آن، شماری از طرح های عمرانی بکلی متوقف شده و واحدهای تولیدی بسیاری با کاهش

سطح تولید و پارکود کامل روبرو شده اند. بیکاری ناشی از این رکود، اینک موج گسترده تری از شاغلین واحدهای تولیدی و خدماتی کشور را تهدید می کند. تورم ناشی از این بحران که طی ماه های اخیر به بالای ۵۰ درصد رسیده، زندگی کارگران و کارمندان را مختل کرده است.

هم میهنان زحمتکش! روز جهانی کارگر، در عین حال محالی است برای تأمل درباره مشکلات و طرح مطالبات توده زحمتکشان. زمامداران اسلامی امروز وضع را بد آنجا رسانده اند که اغراق نخواهد بود اگر بگوئیم برای توده محروم و زحمتکش جامعه، حفظ آخرین لقمه نان سفره شان به مسئله میرم و مطالبه مقدم بدل شده است.

آنجا که آزادی نیست، آنجا که حق مشارکت در سرنوشت سیاسی جامعه از آحاد مردم سلب شده و آزادی بیان، آزادی مطبوعات و حق تشکیل احزاب سیاسی و اتحادیه های مستقل صنفی را پمال می شود و هر اعتراضی به شدت سرکوب می گردد، حتی حفظ آن آخرین لقمه از چنگ غارتگران مورد حمایت حاکمیت نیز بسیار دشوار خواهد بود. از این رو مبارزه کارگران و زحمتکشان برای تأمین حداقل سطح زندگی و مبارزه برای حقوق کاربویژه حق برخورداری از تشکل صنفی مستقل، در پیوند تنگاتنگ با مبارزات دموکراتیک همه اقشار جامعه برای درهم شکستن استبداد و در گرو فرجام این مبارزات و تأمین آزادی های سیاسی و حقوق مدنی است. تلاش در راه تأمین اتحاد گسترده همه اقشار مردم برای عقب نشاندن استبداد، راهگشای ایجاد تحکیم تشکل های صنفی و سیاسی و دفاع از حقوق و مطالبات همه قشرها و آحاد مردم ایران است.

روز جهانی کارگر، روز تجدید میثاق زحمتکشان برای مبارزه مشترک در راه دستیابی به اهداف عدالتخواهانه و آزادی بخش است. برگزاری جشن اول ماه مه، نشانه تداوم این سنت مبارزاتی جنبش کارگری و بزرگداشت آرمان های انسانی است. با برگزاری اول ماه مه و طرح مطالبه میرم ترین حقوق صنفی و سیاسی خود، سنت ۷۳ ساله بزرگداشت روز کارگر در ایران را تداوم بخشیم و پرچم اول ماه مه، این درفش مبارزه علیه تبعیض، بی عدالتی و استبداد را، در اهتزاز نگه داریم.

فرخنده باد روز جهانی کارگر

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اردیبهشت ۱۳۷۳

# گرامی باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر!

بحران ساختاری که اقتصاد غرب رافرا گرفته بیش از هر چیز خود را در افزایش چشمگیر بیکاران و از دست رفتن دم افزون محل های کار نشان می دهد. این مسئله چنان ابعادی یافته است که وزیران کار، اقتصاد و دارایی هفت کشور بزرگ صنعتی ماه گذشته به دعوت کلینتون در دیترویت (آمریکا) گرد آمدند تا با تبادل تجربه چاره ای بیندیشند.

دو عامل عمده زمینه ساز بیکاری بی سابقه اخیر در غرب است. اول آنکه در پی انقلاب فنی، تکنیکی و اصلاحاتی روزبه روز از نقش انسان در فرآیندهای عملی تولید کاسته می شود و ابزارهای کامپیوتری و الکترونیکی جای آن را پر می کنند. در واقع به جای آن که پیشرفت دانش و فن به آزادی بیشتر انسان و ایجاد زمینه وقت آزاد برای فعالیت های معنوی و فرهنگی وی منجر شود، نظام ناعادلانه اجتماعی آن را در خدمت سودآوری

بیشتر و محروم کردن نیروی کار از منبع امرار معاش خود در آورده است. امروز در انحصارات و شرکت های تولیدی و خدماتی چه دستاوردهای تکنولوژیک و چه ابزارها و شیوه های مدیریت جمعی در خدمت تولید جمع و جور ترویه کارگیری کمتر نیروی انسانی به کار گرفته می شود.

عامل دوم انتقال هر چه بیشتر سرمایه گذاری های کاربر به کشورهای جنوب و به مکان هایی است که به سبب نیروی کار و منابع ارزان و نیز عدم سخت گیری در مورد آلودگی محیط زیست تولید هر چه ارزانتر تمام می شود. بخش خدمات که روزبه روز در اقتصاد غرب نقش و جایگاه عمده تری می یابد نیز با تجهیز هر چه بیشتر به دستگاه ها و ابزارهای خود کار کامپیوتری به گونه ای فزاینده از به کارگیری نیروی انسانی سر باز می زند.

برای مقابله با بحران بیکاری از

سوی کارشناسان و محافل اجتماعی گوناگون طرح ها و نظرات مختلفی ارائه می شود. یکی از این طرح ها که شرکت ها و کنسرن های آمریکایی در انجام آن پیشقدم بوده اند، پاره وقت کردن کارگران و تقسیم ظرفیت های کاری موجود میان شمار بیشتری از کارگران است. این شیوه البته با کاهش درآمد کارگران همراه است، بگونه ای که درآمد شاغلان سیاه پوست آمریکا که از تحصیلات و آموزش های کمتری برخوردارند اینک ۲۸ درصد از سال ۱۹۸۰ کمتر است. این رقم در مورد شاغلین سفید پوست ۲۱ درصد می باشد. چنین روند بد انجام منجر شده که به نوشته نیویورک تایمز برای مثال مکانیک یکی از شرکت های هوابیانی که تا آخرین سال کار خود ۱۹۹۲ در این شرکت هفته ای ۵۲۰ دلار درآمد داشته، پس از از دست دادن شغل خود اینک برخی روزها راننده اتوبوس مدرسه است و

## ابعاد جهانی

شب ها را در مک دونالد کار می کند. همسروی نیز شب ها انباردار یک شرکت تولید کننده اسباب بازی است و هفته ای یکبار نیز در شرکت دیگری شب کاری می کند. با این همه مجموع درآمد ماهانه این زوج از ۱۵۰۰ دلار فراتر نمی رود. البته سطح نازل درآمد ها صرفاً به پاره وقت شدن شاغلین و نوع کارها مربوط نمی شود. ترانس ها و کنسرن های آمریکایی برای تولید ارزان و حفظ قدرت رقابت خویش در بازار بین المللی که با هجوم کالا های ارزان قیمت کشورهای نوصنعی (کره جنوبی، تایوان و...) روبرو است بیش از همه از میزان دستمزدها کاسته اند. چنین کاری که در جامعه آمریکا که از اتحادیه های

کارگری و صنفی فعال و بانفوذی برخوردار نیست، با مقاومت چندانی مواجه نشده است.

در مجموع شیوه آمریکایی مبارزه با بیکاری از یکسو حالتی مسکن گونه و کوتاه مدت دارد و از سوی دیگر با کاهش شدید درآمد و سطح زندگی مردم بگیران و محرومیت بیشتر آنها از خدمات اجتماعی همراه است. قسماً همین جنبه های منفی بود که شرکت کنندگان اجلاس دیترویت را نسبت به موفقیت کاربست روش آمریکا در اروپا به شک و تردید واداشت، چرا که کارگران و مزد بگیران نسبتاً مشکل تر اروپایی به سادگی تن به پذیرش چنین راه حل هایی نمی دهند. برخی از محافل راست و



نگاهی به عمده ترین مسائل کارگران در سال ۷۲

# جنبش کارگری در نبرد با سیاست اخراجهای دسته جمعی

بیشترین اعتراضات کارگری علیه سیاست تعدیل نیروی انسانی صورت گرفت  
زیر فشار اعتراضات کارگران دولت از تغییر در قانون کار چشم پوشید

## کابوسی بنام

### "تعدیل نیروی انسانی"

طبقه کارگر و زحمتکشان ایران، سال ۷۲ را با نگرانی فزاینده از اخراج های دسته جمعی و بیکاری فزاینده آغاز کردند. تک نرخی شدن ارز و قطع سهمیه ارزی کارخانه ها و واحدهای تولیدی صنعتی، هزینه های تولید و از جمله قیمت مواد اولیه را به شدت افزایش داد و بخش بزرگی از صنایع کشور را با کاهش چشمگیر تولید، ورشکستگی و تعطیل مواجه ساخت. ده ها کارخانه و کارگاه بزرگ و کوچک یکی پس از دیگری، ورشکسته و تعطیل شدند و یا فعالیت های خود را به نحو چشمگیری کاهش دادند. در اواسط تابستان کار به جایی رسید که نعمت زاده وزیر صنایع هشدار داد اگر دولت ظرف یک ماه تسهیلاتی در اختیار کارخانجات قرار ندهد، تولید صنایع کشور به نصف کاهش خواهد یافت. دولت نه تنها نتوانست تسهیلاتی فراهم کند، بلکه با فرو رفتن بیش از پیش در گرداب بحران و کمبود ارز، صنایع را نیز با خود به درون این گرداب کشاند.

همزمان با ورشکستگی بی دربی کارخانه ها و کاهش فعالیت های تولیدی، دولت راه اخراج های گسترده کارگران و کارکنان واحدهای تولیدی را برای کاهش هزینه ها برگزید و این سیاست ضد کارگری را در قالب سیاست "تعدیل نیروی انسانی" و به عنوان یکی از ارکان برنامه اقتصادی خود اعلام داشت.

روند اخراج کارگران در ماه های بهار و تابستان به چنان سطحی رسید که اعتراض و نگرانی در مقامات وابسته به رژیم رانیز موجب شد. رئیس کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس روند روبه رشد اخراج کارگران را نگران کننده خواند و گفت کارفرمایان به "تسویه حساب" با کارگران برخاسته اند.

## اعتراض های گسترده به سیاست تعدیل نیروی انسانی

اخراج های دسته جمعی،

دفاع از حق اشتغال و قطع اخراج ها را به عمده ترین مطالبه جنبش کارگری تبدیل کرد. مقابله کارگران با اخراج های دسته جمعی به اشکال مختلف، بیشتر به صورت اجتماعات و جلسات اعتراضی، طومار نویسی، صدور قطعنامه مراجعه به وزارتخانه و ادارات کار و اعتراضات شوراهای اسلامی و در موارد معدود تریه صورت اعتصابات و گاه تظاهرات خیابانی که به خشونت نیز گرایید، بروز کرد. صدها نامه اعتراضی، طومار و قطعنامه از سوی اجتماعات کارگری در بیانه های مختلف سیاست "تعدیل نیروی انسانی" را محکوم کرده و خواهان پایان دادن به اخراج ها شدند.

اعتراضات و نگرانی های کارگران چنان اوج گرفت که مراسم اول ماه مه سال گذشته تشکلهای کارگری وابسته به رژیم رانیز تحت تأثیر قرارداد و آنرا به تریبون اعتراض علیه سیاست تعدیل تبدیل کرد. در تهران خانه کارگر مرکزی در قطعنامه اول ماه مه نسبت به خطر اخراجها هشدار داد و ابراز نگرانی کرد. در هر کارخانه ای که جشن روز کارگر برپا شد، سخن اصلی، پایان دادن به سیاست اخراج ها بود.

## شکست تلاش های دولت برای تغییر قانون کار

تغییر قانون کار، بدلیل پاره ای موانع که قانونی در برابر اخراج کارگران و بیکه تازی سرمایه داران ایجاد کرده، از مدت ها پیش مورد توجه و درخواست جناح راست حکومت بوده است. با تحکیم موقعیت جناح راست و بازاری در مجلس چهارم و کابینه جدید، فشار برای تغییر قانون کار شدت یافت و به هیئت دولت نیز کشیده شد. در اواسط تابستان غرضی وزیر پست و تلگراف و تلفن خبر داد که قانون کار احتمالاً در کابینه جدید تغییر خواهد کرد. به دنبال انتشار لایحه پیشنهادی برنامه ۵ ساله دوم، که از سوی سازمان برنامه و بودجه

منتشر شد، آشکار گردید که دولت قصد دارد تغییرات در قانون کار را عملی سازد. تبصره ۴۸ این لایحه دولت را موظف میساخت ظرف چهار ماه لایحه اصلاحیه قوانین کار، تامین اجتماعی و تشکیل شوراهای اسلامی کار را تهیه کند. دادن اختیارات بیشتر به کارفرمایان، کاستن از اختیارات شوراهای اسلامی کار و بویژه سلب برخی حقوق کارگری مورد تأکید در این قانون و بالاخره هموار ساختن راه اخراج کارگران به تصمیم واراده کارفرمایان، از جمله اهداف حکومت از تغییر قانون کار بود که در صورت عملی شدن می توانست موج وسیع اخراج ها را با سهولت بیشتری همراه سازد.

آشکار شدن قصد دولت برای تغییر قانون کار، موج دیگری از اعتراضات کارگری را پدید آورد. کارگران در سراسر کشور با امضای طومارها، قطعنامه ها و نامه های اعتراضی مخالفت خود با تغییر قانون کار را اعلام کردند. صدها تن از نمایندگان کارگران استان تهران با اجتماع در محل خانه کارگر علیه قانون کار اعتراض کردند. تشکلهای کارگری وابسته به حکومت نیز با این اعتراضات همراه شدند. دبیران اجرایی خانه های کارگر در بیانه ای تبصره پیشنهادی لایحه ۵ ساله دوم را رد کردند. دبیر کل خانه کارگر برنامه های طرح ریزی شده توسط مسئولان سازمان برنامه و بودجه را "فاقد اعتبار" اعلام کرد.

زیر فشار اعتراضات کارگری دولت بار دیگر پاپس کشید. چنین کمالتی وزیر کار و امور اجتماعی اعلام کرد: این تبصره با منافع کارگران و تولید کنندگان جامعه در تضاد است و در هیئت دولت تصویب نخواهد شد. کمالتی نگرانی و غمخوار رژیم از گسترش اعتراضات کارگری را با این جملات بیان کرد: برای ما مسئله اصلی "حفظ نظام" است. بدین ترتیب تغییر قانون کار منتهی شد و برنامه ۵ ساله دولت نیز زیر فشار انبوه مشکلات روز افزون به با یگانی مجلس سپرده شد.

## دستمزدهای پایین و گرانی کمر شکن

هر چند بدلیل سیاست "تعدیل نیروی انسانی" مقابله با اخراج ها و خطر بیکاریهای دسته جمعی به مهمترین خواست کارگران در سال

گذشته بدل شد، اما تورم، گرانی، کمبود کالا و مشکلات بیمه درمانی و بالاخره کمی دستمزد و تعویق های پی در پی در پرداخت دستمزدهای ناچیز، زندگی میلیونها کارگر را - مانند اکثریت مردم ایران - هر روز از روز پیش دشوارتر ساخت. افزایش ناچیز دستمزدها که هر بار با هیاهوی فراوان اعلام می شد، هیچ گاه قادر به جبران بخش کوچکی از گرانی ها و تورم سرسام آور نبود. مطابق آمارهای اعلام شده از سوی مسئولین دولتی شاخص اسمی دستمزد کارگران در سال ۷۱ نسبت به سال پایه ۱۵۸۰ از ۱۰۰ به ۱۳۹۹ افزایش یافت. اما شاخص واقعی و قدرت خرید کارگران در همین سال به ۴۲/۵ درصد سال ۵۸ کاهش یافت.

با توجه به موج تورم و گرانی این شاخص در سال ۷۲ نیز به میزان بیشتری کاهش یافت و طبقه کارگر ایران نزدیک به ۶۰ درصد قدرت خرید خود نسبت به سال ۵۸ را از دست داد. بخش اعظم صفوف میلیونی بیکاران که در سال ۷۲ به میزان بسیاری بر آن افزوده شد، از بیمه بیکاری محروم ماند و دارای هیچگونه درآمد ثابت و تضمین شده نبود. مسئولان دولتی تعداد بیکاران را ۲/۵ میلیون نفر اعلام کردند. اما این رقم حتی به گفته برخی از مسئولین دولتی و ارگان های کارگری وابسته به رژیم، بسیار کمتر از رقم واقعی بیکاران است.

سال ۷۲ را در یک کلام باید سال تعرض بی وقفه حکومت بر کارگران و سال تلاش های جانفرسای کارگران برای گذران زندگی و تامین معیشت از طریق جنگ و جدال روزمره با حکومت و کارفرمایان نامید.

## تشکل های مستقل صنفی نیاز بزرگ طبقه کارگر

جنبش کارگری به همان میزانی که توانست به مبارزه علیه سیاست های ضد کارگری رژیم برخیزد، به همان میزان نیز توانست در برابر سیاست های رژیم مانع ایجاد کند. جنبش کارگری در سال ۷۲ یک جنبش دفاعی بود و مطالبات در سال گذشته در واقع دفاع از حق زندگی و موجودیت انسانی خود بود. اما عقب نشینی های رژیم هم در مورد سیاست "تعدیل نیروی انسانی" و هم در مورد تغییر قانون کار که قبل از هر چیز بر اثر فشار مبارزات کارگران صورت گرفت، نشان داد که حتی

مبارزات پراکنده و غیر متشکل کارگران نیز می تواند موانع جدی در برابر بیکه تازی های رژیم ایجاد کند. فضای عمومی کشور اکنون به گونه ای است که رژیم را از هر اعتراض کوچک نیز به وحشت می اندازد. سران حکومت خود بهتر از هر کس می دانند که بر چه دریایی از خشم و نفرت نشسته اند. دریایی از خشم و نفرت که با تلنگری کوچک نیز میتواند به حرکت درآید. بزرگترین امتیاز جنبش کارگری برخورداری از این فضای آماده اعتراض است که رژیم را بسیار بیشتر از قدرت واقعی جنبش کارگری مجبور به احتیاط میکند.

اما در برابر این امتیاز که به کارگران در بیان اعتراضات خود شهادت می دهد، فقدان تشکلهای مستقل کارگری همچنان به عنوان بزرگترین ضعف و کمبود عمل می کند. نقشی که تشکلهای اسلامی کارگری در دامن زدن به اعتراضات کارگران در موارد معین ایفا کردند، نشان داد که مبارزه متشکل چه قدرت عظیمی را می تواند پدید آورد. تشکلهای اسلامی هر چند توسط رژیم و پانیت کنترل بیشتر بر کارخانه ها پدید آمدند، اما بدلیل حدت ناراضی های موجود در جامعه از یکسو و اختلافات درونی رژیم از سوی دیگر، چه در مخالفت با سیاست "تعدیل نیروی انسانی" و چه در مخالفت با تغییر قانون کار، جانب کارگران را گرفتند. فشار کارگران و دخالت فعالانه تر آنها در این شوراها توانست در برانگیختن آنان به حمایت از خواسته های جنبش کارگری موثر افتد. به این تشکل ها در شرایطی که کارگران فاقد تشکل های مستقل خود هستند، نباید بی اعتناء بود. با این همه، شوراها و دیگر تشکل های اسلامی، تشکلهای هستند تحت نفوذ و وابسته به رژیم و هیچگاه نتوانسته اند بیانگر مطالبات واقعی و خواسته های جنبش کارگری، بویژه در شرایط تشدید رویارویی با دولت و مجموعه حکومت باشند. بر باری تشکلهای مستقل کارگری، همچنان مهمترین وظیفه و نیازی است که در برابر طبقه کارگر ایران قرار دارد. بدون تشکلهای مستقل صنفی و سندیکایی، کارگران نخواهند توانست در مبارزه علیه دولت و سرمایه داران به موفقیت های قابل توجهی برسند و برای حق اشتغال، بیمه، مسکن، افزایش دستمزدها و سایر مطالبات خود به خوبی مبارزه کنند.

## ۲۰۰ کشته بر اثر حوادث ناشی از کار

مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی اعلام کرد که در سال ۷۲ تعداد ۱۳ هزار و ۱۶۰ مورد حادثه فتکام کاریش آمد که ۱/۵ درصد آن منجر به مرگ گردید، ۱/۸ درصد به از کار افتادگی کامل، ۲/۴ درصد به آسیب دیدگی ۳۳ تا ۶۶ درصد و ۴۳/۳ درصد به تا ۳۳ درصد از کار افتادگی انجامید. مطابق این آمار در ظرف یک سال بیش از ۲۰۰ کارگر و روزانه ۱۸ تا ۱۹ نفر جان خود را از دست داده اند. ارقام فوق تنها موارد ثبت شده حوادث ناشی از کار است. اما همین ارقام نیز نمایانگر آن است که چگونه کارگران ایران در پای منافع گروهی سرمایه دار سود جو و غارتگر قربانی می شوند و حتی زندگی خود را می یازند.

نیروی کشورهای در حال توسعه به قیمت بیکاری بخش های هر چه بیشتری از شاغلین جوامع غرب چندان بهایی نمی دهد. جهانی شدن اقتصاد و درهم تنیدگی دم افزون سرنوشت شمال و جنوب مسائل و مشکلاتی در ابعاد بین المللی پدید آورد، که حل اساسی آنها هم راه حل های بین المللی می طلبد. نه معضل بیکاری کار روز غربی بدون حل معضل فقر و عقب ماندگی در جنوب اساساً قابل حل است و نه، سرمایه جهانی به میل خود از بازی دادن نیروی کار شمال و جنوب بر علیه یکدیگر دست خواهد کشید. هم از این رو یافتن راه حل اساسی برای چنین معضلاتی جز از رهگذر همبستگی، تدبیر و اقدام ملی و بین المللی برای ایجاد نظام عادلانه جهانی میسر نیست.

دیگر باید از طریق خدمات متقابل اجتماعی افراد به یکدیگر یاریه عبارت دیگر فعالیت های مبتنی بر اقتصاد طبیعی و روابط پایا پای جبران شود. یعنی برای مثال یک مکانیک در قبال اصلاح سرنش از سوی یکی آرایشگری می تواند ماشین وی و یا کس دیگری را که از وی طلبکار است تعمیر کند. مشکل این راه حلها اما این است که گستردگی و پیچیدگی اقتصاد جهانی و ابعاد بین المللی بحران ها که در همین حال با ناموزونی رشد و پیشرفت های اقتصادی و تکنولوژیک در نقاط مختلف جهان و شکاف شمال و جنوب همراه است را اغلب نادیده می گیرد و مشکل را عمدتاً در چارچوب جوامع غربی مورد بررسی قرار می دهد. علاوه بر آن، این پیش به نقش مالکیت انحصارات و تراست ها بر تولیدات جهانی و نحوه استفاده از مندانه آنها از تکنولوژی های نوین و سوء استفاده از

نقش د انایی و تفکر و توان هدایت گری در جامعه آینده سخن می گویند. اولین تافلر در کتاب های "موج سوم" و "وق های آینده" نمایی از جامعه آینده را ترسیم می کند که در آن تولید و کار دسته جمعی و کارخانه ای با پیشرفت تکنولوژی های فنی و ارتباطی نوین، ثمر بخشی خود را از دست می دهد و جای آن را تولید کم تر وقت گیر خانگی و گروهی بر می کند. آندره گوز متفکر چپ گرای اتریشی نیز بر آن است که انقلاب میکرو الکترونیک ناقوس مرگ "جامعه مبتنی بر کار" را بصدا درآورده است و از محدود شدن ساعات کار شاغلین جامعه گریزی نیست. وی در کتاب جدید خود موسوم به "نقد خرد اقتصادی" (Okonomischen Vernunft) پیشنهاد می کند که بخشی از کاهش درآمد کارگران را دولت باید از طریق مالیات بر تولید، انرژی و ثروت تامین کند و بخشی

# بحران بیکاری

کشور چنین سیاستی را دنبال می کنند. در واقع ژاپن تاکنون نتوانسته است با اعمال چنین سیاستی میزان بیکاری را در سطح ۲ تا ۳ درصد نگاه دارد. اما با ادغام هر چه بیشتر سرمایه و بازار جهانی ادامه این روش دشوار و حتی ناممکن خواهد شد. چالش و نزاع اقتصادی میان تویو و واشنگتن و فشار کاخ سفید برای واداشتن دولت مردان ژاپن به گشودن بازارهای این کشور به روی کالا های آمریکایی با زتاب بخشی از همین دشواری هاست. از سوی دیگر متفکرانی با عقاید سیاسی گوناگون و با بیان ها و فرمول بندی هایی گهگاه متفاوت از پایان یافتن دوران "جامعه مبتنی بر کار" (جامعه اشتغال) و افزایش

نشوفاشیست اروپا اعمال سیاست های حمایتگرانه از تولیدات داخلی، بستن عوارض گمرکی سنگین به محصولات وارداتی، جلوگیری از ورود نیروهای کار غیر بومی و اخراج خارجی های شاغل را راه حل بیکاری می دانند. این نیروها مکانیسم هایی همچون بازار مشترک اروپا و یا قرارداد عمومی تعرفه و تجارت را به ضرر مصالح ملی خود می دانند و دامن زدن به ناسیونالیسم افراطی و نزاد پرستی را مبنای سیاست های خود قرار داده اند. در ژاپن تنها راست ها و راست های افراطی نیستند که خواهان حفظ روند موجود (یعنی صادرات گسترده و واردات اندک) می باشند، بلکه اغلب نیروهای سیاسی فعال این

ادامه از صفحه ۷

### رابطه چپ با سازمان مجاهدین...

نظام سیاسی دموکراتیک و بیانیات برقرار نخواهد شد. (این جمله را یک بار دیگر با دقت بخوانید!) و این البته با مفهوم اصطلاح "تنها آلترا تئو" تفاوت دارد.

مجاهدین همان گونه که (به قول نویسنده "خبر") آن نیرو را دارند که بتوانند در اروپا اقدامات سرکوب گرانه علیه "غیر خودی" ها به عمل آورند، در ایران آن قدر نیرو دارند که بتوانند هر گونه دموکراسی و معادلات سیاسی را که بدون حضور آنان باشد، به هم بزنند. این واقعیت را باید با تمام ابعادش درک کرد.

مشولین کار بهتراست در نظر داشته باشند به خرده کاری دچار نشوند و سیاست های بزرگ را قربانی خرده مسائل شبه سیاسی نکنند. استراتژی هماهنگی و همگامی و همگامی نیروهای سیاسی و تمامی نیروهای سیاسی موجود در ایران برای نجات میهن از ورطه "فاجعه" بزرگی که هر روز بیش تر و بیش تر به آن نزدیک می شود، سیاست بزرگ است، پرداختن به برخورد لفظی و هوادار در فلان کنسرت و بالا کشیدن این مسئله به سطح قضاوت در مورد یک سازمان سیاسی مهم صاف و ساده قربانی شیر در پیشگاه گریه خانگی است.

اگر ما آینده ایران را می خواهیم، باید مجاهدین را هم بپذیریم. مجاهدین را باید شناخت و کار با آن ها را فرا گرفت. در این میان باید روابط سازمان چریک های فدائیان خلق (نبرد خلق) و سازمان مجاهدین را مورد ارزیابی قرار داد و در نظر گرفت. باید دید چگونه است که سازمانی با ایدئولوژی اسلامی می تواند با سازمانی مارکسیستی و الحادی این طور در پیوند نزدیک کار کند. نمونه ایست کم نظیر در تاریخ معاصر کشورمان که متاسفانه مورد تحلیل قرار نگرفته است.

ساده انگارانه نگوییم که هر چه مجاهدین می گویند، چریک های فدائیان حلقه به گوش هستند! ببینید آقای مهدی سامع در نشریه "مجاهد شماره ۳۲۴" چه می نویسد:

رسیدن به یک چنین تصمیماتی اصلاً ساده نیست. این تصمیمات به دنبال بحث ها و تصمیمات دیگری نیز در پی دارد. برای مثال فرض کنید همین تصمیم در خود سازمان مجاهدین تأثیر خواهد گذاشت.

پیش تر در مورد نقش محوری "اکثریت" در جنبش چپ گفته شد. این جا اضافه کنیم که این موقعیت ثابت و تضمین شده نیست و می تواند با موضع گیری های دقیق

ادامه از صفحه ۷

### "مجاهد" به کدام امامزاده...

و سامع از سازمان می خواهند که خب، اگر راست می گویند جواب بدهید! آیک آدم حسابی هم دردم و دستگاشان پیدا نمی شود که به این آقایان بگوید که بابا، این همان "امام زاده" خری "است که خودمان بر پا کردیم، حالا به سرش قسم هم می خوریم؟! در خاتمه این که تمام شیوه های یاد شده سازمان مجاهدین، وجه تفکیک نا پذیر تفکری است که امر کب قدرت سیاسی به هر قیمتی را به خط مشی خود تبدیل کرده است، مقوله ای که باید به طور جدی توسط اپوزیسیون دموکرات ایران مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

بگذریم، حتماً شما هم این داستان را شنیده اید که روزگاری دورند بی پول جهت پیدا کردن کار با یک الاغ دست به مسافرت زدند. بین راه دید آوردند والاغشان افتاد و مرد. آن ها که خیلی به الاغ علاقه مند بودند، او را در گوشه ای دفن کرده، شب را هم از خستگی همان جا به سر آوردند. صبح یکی به دیگری گفت فکری به خاطر من رسید. چطور است به ملت بگوئیم که ما خواب نما شده ایم که این جا امام زاده ای دفن است؟ این فکر را عملی کردند. کارشان هم گرفت و از راه فریب خلق اله پول و پوله ای به هم زدند. هنگام تقسیم پول دعوی شان شد و یکی به دیگری گفت توبه من کلک می زنی و او جواب داد به همین امام زاده قسم نه! رفیقش برگشت گفت: بابا! این امام زاده را ما خودمان درست کرده ایم، حالا تو برای من به آن قسم می خوری؟ حال حکایت مجاهدین چنین است. اول عده ای را به عضویت سازمان ما منصوب می کنند و از آن جایی که عادت کرده اند به نمایندگی از طرف مردم ایران برای شان رئیس جمهور و کابینه درست کنند، حتی از طرف مردم در انتخاباتی دموکراتیک! برایشان پارلمان هم انتخاب نمایند، اخیراً تصمیم گرفتند کارکنگره سازمان ما را هم راحت کنند و از طرفش عده ای را به رهبری سازمان هم برگزینند. (حتماً حالا نشریه "مجاهد" از ما خواهد پرسید چه کسی عضو رهبری نیست؟ چرا افشایش نمی کنید؟! ) بعد با کمال بی شرمی از قول این افراد و دیگر شاهدین به جعل و تحریف می پردازند و آن گاه از زبان آقایان روحانی

### بامساله ملی چگونه بر خورد کنیم؟

به حقوق مشروعش باز داشت. امکان دارد که آن حق خواهی برای مدتی سرکوب شود اما در هر آن که فرصت پیدا کند باز سر بر خواهد آورد. و همچنان که می دانیم بدنبال سرکوب جمهوری مها با در کردستان در زمان شاهنشاهی این جنبش حق خواهی بعد از تقریباً نیم قرن در بحبوحه انقلاب بهمن ۵۷ باز جوانه زد. پس بنابه این دلایل است که باید با دیدی روشن و واقع بینانه به مسئله نگریده شده و اهم تکیه را با دید برواقعیت حال و امروز گذاشت نه با جسیبیدن به تاریخ چندین صد ساله یا شاید هزار ساله که آیا کردها فارس بوده اند یا فارس ها کرد، آذربایجان فارس بوده اند یا نه؟ واقعیت این است که امروز در آذربایجان آذربایجان زندگی می کنند با ویژگی ها و هزاران درد پنهان و در کردستان کردها و در بلوچستان بلوچها و اگر مسئله "تجزیه بخشی از خاک ایران مطرح می شود، هیچ دلیل واقعی مبتنی بر این امر تا به حال از سوی هیچ نماینده واقعی خلق های ایران نمی توان ارائه داد. به عنوان مثال هیچ نیروی نه در کردستان ایران مسئله "جدائی از ایران" را تا به امروز با صراحت بیان نکرده است و نه در بلوچستان و... و تنها خواست های مشروع بوده است که از نظر انسانی چیز

غریبی نمی باشند. اگر واقع بینانه بررسی کنیم چه کسی ضرر خواهد دید اگر خلق کرد در کردستان ایران پارلمان محلی خود را برای اداره امور جاری داشته باشد یا آذربایجان یا ترکمن ها یا دیگر همزبانان و هم فرهنگی ها بشان در آن سوی مرزها روابط آزاد فرهنگی و اقتصادی داشته باشند یا خلق ها امور فرهنگی خود را در دست داشته باشند و یا اداره امور نظم و امنیت داخلی مناطق بوسیله خود آنها تأمین گردد؟ حال اگر بر دیگر مناطق جهان نظری بیافکنیم مسئله مقداری قابل فهم تر خواهد بود به عنوان مثال در فنلاند حدود ۸۰۰ هزار سوئدی زبان زندگی می کنند که آنها با این اقلیت کم توانسته اند از حقوق زیاد و برابری در مقایسه با فنلاندی زبان ها که بالغ بر ۴ میلیون نفر هستند برخوردار گردند، آنها برای خود دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی دارند در مناطقی که تا بپلوهای خیابان ها و مراکز رسمی اکثر آدو زبانه یعنی سوئدی و فنلاندی نوشته می شود در پارلمان نماینده واقعی خود را دارند، احزاب مختص بخود را دارند که در اداره امور کشور شرکت دارند، آزادانه روابط فرهنگی و مبادله دانشجویان سوئد و دیگر کشورها دارند از رسانه های گروهی یعنی روزنامه کثیرالانتشار رادیو و تلویزیون ویژه خود برخوردارند و با یک کارت شناسایی می توانند ترسند رفته یا در آنجا بمانند. این نمونه در یک کشور غربی را می توان مثال آورد و هیچ وقت کشور فنلاند تجزیه نشده است و کسی هم مجبور نیست تنها به زبان فنلاندی آموزش ببیند یا زندگی بکند و فرا گرفتن فنلاندی یک امر داوطلبانه می باشد. حال در نظر بگیرید در کجای ایران درصد کمی از این دستاورد های بشریت مشاهده می شود، چه وقت سابقه داشته که خلق های ایران بنا به درصد تعدادشان بوسیله نمایندگانشان در اداره مشترک ایران شرکت داشته باشند و تأثیر گذار باشند آیا این امکان به آنها داده شده است؟

و آنوقت به جای به رسمیت شناختن این حقوق ثابت شده، بحث ها سر این است که آیا خلق کرد وجود دارد یا قوم کرد، خلق عرب وجود دارد یا قوم عرب؟ مگر نه این است که چیزی بنام کرد، فارس، بلوچ، آذری، ترکمن در ایران زندگی می کنند با انواع ستمهای ریز و درشت و در نتیجه تنها با تکیه بر عقل سلیم و برخورد واقع بینانه متناسب با واقعیت امروزی می توان ایرانی یکپارچه و آزاد و دموکراتیک بدون هیچگونه ستمی راداشت!

اکبر، ف - فنلاند

گاه وبی گاه نگرانی هائی به جاوبی جامطرح می شود که گویا ایران در خطر تجزیه شدن قرار دارد و اگر بخود نجنبیم کردستان ایران از دست می رود یا آذربایجان از دست می رود... ویشتر استناد می شود به جنگ های داخلی کشورهای سابقاً سوسیالیستی و بعضی کشورهای غربی که مسئله ملی حل نشده دارند. اما این مدعیان حفظ یکپارچگی غافلند از اینکه مسئله حاد تر از اینها می باشد و سیاست های بغایت ضد انسانی حکومت های وقت خیلی بیشتر از آنکه در یوگسلاوی یا قرقه باغ و گرجستان و ایرلند و اسپانیا و... حرکتی آغاز گردد ایران رانه در خطر تجزیه بلکه در خطر جنگ های داخلی و یجران های ملی قرار داده است و خوشبختانه این جنگ ها نه میان خلق های ما بلکه ما بین خلق ها و حکومتیان روی داده است و هر گز نمی توان فریاد حق طلبانه در کشور ما را با جنگ داخلی یوگسلاوی و مسئله مرزها در قرقه باغ و گرجستان یک کاسه کرد چون در ایران ما، هیچ خلقی مسئله "جدائی را تا بحال بیان نکرده و تنها دست یابی به حقوق اساسی و انسانی در چهارچوب ایران، البته ایرانی آزاد و دموکراتیک و بدون راز هر گونه ستم مطرح بوده است.

در حال حاضر مدعیان دفاع از یکپارچگی ایران صدایشان را بلند کرده و بعضی اوقات بر حقایق خطی بطلان کشیده و اعلام می دارند در ایران ستم ملی وجود ندارد. در ایران اقوام هستند نه ملل، حق تعیین سرنوشت ملل ساخته و پرداخته بشوئیک ها و لنینیسم بود. جادارد که از عقل سلیم پرسیم چه فرقی دارد که اسم قوم را به کار ببریم یا ملت یا قبیله را؟ آیا واژه ها هستند که تعیین می کنند یا انسان ها؟ در کجای ایران بلوچ های ما با زبان مادریشان چیزی، مثلاً علوم رایج را، خوانده اند، در کجای ایران کردها در اداره منطقه شان از ارگان های محلی برخوردار بوده اند و یا در کجای ایران عرب ها توانسته اند بوسیله نمایندگان واقعیشان در اداره ایران که سرزمین مشترک همه ماست، به معنای واقعی شرکت داشته و تأثیر داشته باشند، در کجای ایران ترکمن ها توانسته اند در مورد اقتصاد محلی خود اجازه بر نامه ریزی و اجرای آن راداشته باشند، حتی به کرات شاهد بوده ایم که به دفعات عملاً نقاط مختلف ایران در محاصره اقتصادی از طرف حکومت مرکزی قرار گرفته اند تا صدای حق خواهان شان را در گلو خفه کنند. در باب ستم ملی، می توان فاکت های ساده و روزمره بسیار ارائه داد. همگان می دانند به همراه ستمهای دیگر در ایران ستم ملی همواره وجود داشته است و وجود دارد حال اگر قرار است چاره ای برای این امر مهم یافته شود آیا باید تنها به واژه ها و سردرگم کردن اذهان پرداخت یا باید با دیدی روشن و با کمک عقل سلیم با این مسئله برخورد کرد؟

تاریخ ثابت کرده است که در هیچ زمانی نمی توان با سلاح زور و فریب ملتی یا قومی و یا قبیله ای را از دست یابی

**نوار ویدئویی جشن بیست و سومین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آماده فروش است**

بهای نواریا احتساب هزینه پستی:

آلمان \_\_\_\_\_ ۲۵ مارک

سایر کشورهای اروپائی \_\_\_\_\_ ۳۰ مارک

خارج از اروپا \_\_\_\_\_ ۳۵ مارک

برای تهیه نواریا آدرس و شماره حساب بانکی نشریه "کار" تماس حاصل نمایید. از ارسال چک خوداری شود.

<p>فرم درخواست اشتراک "کار"</p> <p>اشتراک جدید <input type="checkbox"/> تمدید اشتراک <input type="checkbox"/></p> <p>مدت اشتراک: شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/></p> <p>نام: _____ تاریخ: _____</p> <p>آدرس: Name: _____</p> <p>Address: _____</p> <p>فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست نمایید.</p>	<p>بهای اشتراک "کار"</p> <p>اروپا:</p> <p>ششماه _____ ۴۵ مارک</p> <p>یکسال _____ ۹۰ مارک</p> <p>سایر کشورها:</p> <p>ششماه _____ ۵۲ مارک</p> <p>یکسال _____ ۱۰۴ مارک</p>	<p>"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر دو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می شود.</p> <p>حساب بانکی: M.ABD آدرس: RÜZBEH</p> <p>NR_35263011</p> <p>POSTFACH 1810</p> <p>37050198</p> <p>کدبانک: 52020 AACHEN</p> <p>Stadtsparkasse Köln</p> <p>GERMANY</p> <p>GERMANY</p> <p>شماره فکس: 0049 _ 221 _ 3318290</p> <p>Fax:</p>
--	---	---



## الجزایر: آینده همچنان مخاطره آمیز است

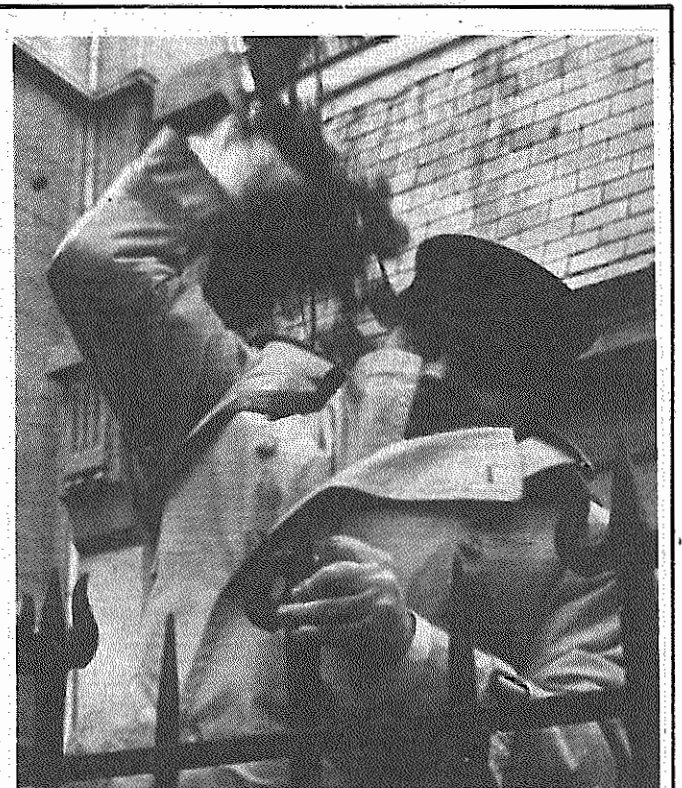


الجزایر از سال ۱۹۹۲ به دنبال برکناری شاذلی بن جدید (رئیس جمهور) توسط یک شورای نظامی و بی اعتبار اعلام شدن نتایج انتخابات سراسری آرسوی این کشور با بحران سیاسی عمیقی دست به گریبان است. در واقع بحران ریشه های عمیق تری دارد که از حکومت سی ساله تک حزبی "جبهه آزادی بخش ملی الجزایر" ورشکستگی اقتصادی در دهه پیش، رشوه خواری و فساد اداری، افزایش بیکاری، سرخوردگی در میان مردم و فقدان آینده ای روشن برای جوانان ناشی می شود.

الجزایر در سال های اول استقلال از فرانسه (۳۰ سال پیش) یکی از صادر کنندگان عمده محصولات کشاورزی به شمار می رفت، پس از آفریقای جنوبی پیشرفته ترین زیر ساخت اقتصادی آفریقا را دارا بود و صادرات نفت تنها ۱۲ درصد از کل صادرات آن را تشکیل می داد.

سیاست مبتنی بر صنعتی ساختن سریع الجزایر که از اواسط دهه شصت میلادی آغاز گردید، کشاورزی کشور را به سوی ورشکستگی سوق داد و در توسعه صنایع نیز تا کام ماند. بدینسان بود که سال ۱۹۸۸ در حدود ۹۵ درصد درآمد کشور از راه صادرات نفت تأمین می شد و ۸۰ درصد مواد غذایی مورد نیاز اهالی نیز از خارج وارد می گشت. در همین سال بود که اولین شورش های بزرگ مردم در اعتراض به گرانی ارزاق عمومی روی داد که از سوی دولت پاسخی جز سرکوب و بگریزیدن یافت. جوانانی که این حوادث را دیده بودند و زندگی خود را به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بی چشم انداز می یافتند چندی بعد در تظاهرات و اجتماعات مختلف خشم یاس آلود خود را در قالب شعاری ریختند که چنین مضمونی داشت: "ما همه چیز را باختیم، ما را (برای جنگ) به فلسطین بفرستید". بحران و انحطاط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پس از ۱۹۸۸

در این میان روشنفکران و نیروهای مستقلی که با ایجاد یک حکومت مذهبی مخالفند نیز دائما هدف سوء قصد نیروهای بنیادگرا



استراسبورگ - فرانسه. آقای ژیرینوسکی رهبر فاشیست های روسیه از ترده های کنسولگری این کشور در استراسبورگ فرانسه بالا رفته است تا از داخل محوطه کنسولگری، مشتی خاک و گل را همراه با بوتی های که از باغچه کنده است، حواله تظاهر کنندگان یهودی بیرون محوطه کند. ژیرینوسکی در استراسبورگ خواهان بمباران پایگاه های نظامی آمریکا در ایتالیا به تلافی حملات آمریکا به صرب ها شد!

قرار می گیرند. در این رابطه تاکنون شمار چشمگیری از روشنفکران، پزشکان، استادان دانشگاه، روزنامه نگاران و... به قتل رسیده اند. اخیرا چند تن بی حجاب نیز به هدف گلوله از پای درآمده اند. در همین حال میان خود دستجات مسلح مذهبی که از رهبری واحدی هم برخوردار نیستند و در مورد میزان و شدت ترور اختلاف نظر دارند نیز گهگاه درگیری های خونینی روی می دهد.

سال ۱۹۹۲ هنگامی که شورای نظامی حاکم با موافقت غرب و برای دور نگه داشتن جبهه نجات اسلامی از قدرت، حکومت را در دست گرفت، قول داد که ظرف دو سال شرایط را به حال عادی بازگرداند و زمینه های تشکیل یک دولت ملی مبتنی بر انتخابات را فراهم آورد. در همین راستا در بهمن ماه گذشته کنفرانس ملی برگزار گردید که بسیاری از احزاب و نیروهای سیاسی به دلیل پافشاری ارتش بر تداوم نقش فائقه خود در حکومت و بخاطر ترس از تهدیدات گروه های مسلح مذهبی افراطی از شرکت در آن سر باز زدند و بدینسان آن را تا کام گذاشتند. کنفرانس برای جلوگیری از فروپاشی سیستم سیاسی کشور با برگمار یک ژنرال بازنشسته ارتش به نام "زروال" به مقام ریاست جمهوری وی را مامور کرد که از طریق تماس با نیروهای سیاسی مختلف و از جمله رهبران جبهه نجات، برای خروج کشور از بحران راه حلی بیابد.

اما مواضع سرسختانه کسانی همچون نخست وزیر و وزیر کشور و تاکید آنها بر ادامه سرکوب و برخورداری از هر گونه تماس با نیروهای مذهبی مانع از آن بود که استراتژی دوگانه زروال میدان عمل بیابد. زروال بر آن است که در قبال جبهه نجات باید سیاست مبتنی بر مهار و گفتگو در پیش گرفته شود. از این رووی در ابتدای احراز پست ریاست جمهوری با رهبران جبهه نجات در زندان دیدار کرد و بر اساس پاره ای از گزارش ها با آنها توافقاتی به عمل آورد که بر طبق آن

ابتدا می بایست صدها عضو جبهه نجات آزاد و رهبران زندانی این جبهه نیز به خانه ای تحت نظر منتقل شوند. در مرحله دوم قرار بود که جبهه نجات احتمالا تحت عنوان یک نام جدید قانونی شود، دسته های مسلح آن منحل شوند و رهبری جبهه نیروهای خود را به فعالیت باروش ها و ابزارهای سیاسی فراخواند. برگزاری کنفرانسی برای گفتگوی ملی و توافق همه احزاب سیاسی حاضر در این کنفرانس برای یک راه حل موقت و تعیین زمان انتخابات، مرحله بعدی توافقات را تشکیل می داد.

اما به سبب دوگانگی در دستگاه حاکمه الجزایر این توافقات به مرحله اجرا در نیامد و اوضاع سیاسی اجتماعی کشور پیش از پیش به بی ثباتی گرایید. این امر سبب شد که شمار هواداران کاربرد مطلق قهر در محافل حاکمه الجزایر و ویژه در محافل ارتش کاهش یابد و بر تعداد هواداران سیاست زروال افزوده شود. در این راستا نخست وزیر و کابینه وی دو هفته پیش استعفا دادند و زروال اینک با انتخاب یکی از معتمدین خود برای تشکیل کابینه جدید، امکانات بیشتری برای پیشبرد سیاست های خویش یافته است.

در این حال دو هفته پیش دولت سابق الجزایر با صندوق بین المللی پول قراردادی امضاء کرد که بموجب آن الجزایر در ازای حذف بخشی از سوبسیدها، آزادسازی قیمت ها و تسریع در خصوصی سازی صنایع، وامی به مبلغ بیش از یک میلیارد دلار از این صندوق دریافت می دارد. اجرای شرایط فوق بر زندگی روزمره مردم تأثیرات معینی برجای خواهد گذاشت و افزایش فقر و فاقه و تراکم نارضایتی های ناشی از آن احتمالاً تنش ها و تشنج های جدیدی را در اوضاع اجتماعی و سیاسی الجزایر پدید خواهد آورد که در صورت تداوم بحران کنونی، آینده این کشور را بیش از پیش دستخوش مخاطره خواهد کرد.

## موقفیت نظامی خمرهای سرخ در کامبوج

نیروهای خمرسرخ که علیرغم تشکیل دولت انقلابی در کامبوج به جنگ علیه حکومت مرکزی ادامه می دهند، به یک موقفیت نظامی مهم دست یافتند و توانستند شهر پالین مقرر مرکزی خود را از نیروهای دولتی باز پس بگیرند. معاون وزارت اطلاعات کامبوج در پاسخ این سؤال که پالین سقوط کرده است یا نه، گفت: "نه همه منطقه". هون سن نخست وزیر کامبوج ضمن تأیید سقوط پالین، تأیید را مهتم کرده که کماکان به حمایت از خمرسرخ ادامه می دهد. پالین در نزدیکی مرز تایلند واقع شده است. مقامات عالی رتبه دولت کامبوج، شامل نخست وزیر، فرمانده ارتش و معاون او نیز وزیر

## اخبار کوتاه از سراسر جهان

### نیکسون در گذشت

ریچارد نیکسون رئیس جمهور پیشین ایالات متحده آمریکا پس از مدت ها بیماری روز شنبه ۱۳ اردیبهشت (۲۴ آوریل) در بیمارستان درگذشت. نیکسون یکی از سیاستمداران جنجالی ایالات متحده در دهه هفتاد بود. وی نخستین رئیس جمهور آمریکایی بود که به چین سفر کرد و با چوئن لای ملاقات نمود. نیکسون در دیدار خود با برژنف برای اولین بار قرارداد "سالت" را امضا کرد. در دوره ریاست جمهوری وی بود که سربازان آمریکایی پس از شکست مفتضحانه، خاک ویتنام را ترک کردند. قرارداد صلح ویتنام و آمریکا توسط نیکسون امضا شد. ریچارد نیکسون پیش از آن که دوران ریاست جمهوری اش پایان یابد، مجبور شد به دلیل افشای گری های که به "واتر گیت" معروف شد، کاخ سفید را ترک کند. وی تنها رئیس جمهور مستعفی ایالات متحده است.

ریچارد نیکسون برای ایرانیان چهره ای آشناست. وی سال ۳۳، یک سال پس از سرنگونی دولت دکتر مصدق توسط کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد وارد تهران شد. در اعتراض به این سفر، دانشجویان دانشگاه تهران دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات که در روز ۱۶ آذر صورت گرفت، به دست گیری ده ها دانشجو و قتل سه تن از آنان منجر شد.

### رهبر پ. کا. کا.

### خواهان حل مسالمت آمیز مساله کردستان شد

عبدالله اوجالان رهبر حزب کارگران کردستان ترکیه (پ. کا. کا.) خواهان برقراری آتش بس در کردستان شد. وی گفت مسئله کردستان راه حل نظامی ندارد. اوجالان که در شمال لبنان با یک نشریه چاپ استانبول مصاحبه کرده است، بار دیگر تأکید کرد که خواهان تجزیه کردستان نیست و از یک راه حل دمکراتیک در چارچوب یک فدراسیون ترکی-کردی جانبداری می کند. اوجالان افزود در چنین راه حلی، تمامیت ترکیه زیر سؤال نخواهد رفت بلکه هویت سیاسی، تاریخی، اقتصادی و فرهنگی کردها در قانون اساسی تضمین خواهد شد.

### آمریکاهلی کوپترهای خود در عراق را سرنگون کرد

هوایماهای نظامی آمریکا که کنترل منطقه پرواز ممنوع در شمال عراق را بر عهده دارند، دو فروند هلیکوپتر متعلق به خود ارتش آمریکا را به خطا سرنگون کردند. این حادثه به کشته شدن همه سرنشینان هلیکوپترها که علاوه بر نظامیان آمریکایی، حامل افراد کرد و نظامیان از کشورهای متحد آمریکا نیز بود، انجامید. علت خطای هوایماهای مهاجم، عدم استفاده هلیکوپترها از فرکانس راداری مقرر اعلام شد که باعث گردید خلبانان هوایماها با این تصور که هلیکوپترها متعلق به عراق است، به آنها حمله کنند. هنوز معلوم نیست هلیکوپترهای آمریکایی در پروازی که حتی نیروهای خودی نیز از انجام آن خبر نداشته اند، چه هدفی را دنبال می کرده اند.

### موافقت اینکاتا با شرکت در انتخابات

حزب دست راستی اینکاتا که در قبیله زولو، از قبایل سیاهپوستان آفریقای جنوبی، نفوذ دارد، عاقبت پذیرفت در ازای پیش بینی مقام پادشاه زولو در قانون اساسی جدید این کشور، در انتخابات آفریقای جنوبی که قرار است در این هفته برگزار شود، شرکت کند. فردریک دکلرک ریویژه زوی رهبر اینکاتا در توافقی که به تأیید نلسون ماندلا رهبر کنگره ملی آفریقا (ای. ان. سی.) نیز رسید، قرار گذاشتند که پارلمان منحل شده آفریقای جنوبی برای آخرین بار در روز دوشنبه ۵ اردیبهشت تشکیل جلسه دهد و خواست های اینکاتا را تصویب کند.

### استعفای نخست وزیر ژاپن

هوزو کاوا نخست وزیر ژاپن که با عهده دار شدن این سمت، به حکومت ده ها ساله حزب لیبرال دمکرات پایان داده بود، به دنبال انتشار گزارش هایی حاکی از یک رسوایی مالی، از مقام خود کناره گیری کرد. به دنبال استعفای هوزو کاوا، میشیو تا نا به از رهبران حزب لیبرال دمکرات این کشور اعلام کرد که همراه با تعدادی از طرفدارانش، از این حزب انشعاب خواهد کرد و خواهد کوشید با جلب حمایت نیروهای از درون ائتلافی که هوزو کاوا را به نخست وزیری رساند، عهده دار این مقام شود. با این حال، انتظار می رود تسو توموها تا وزیر خارجه کابینه ها تا کاندیدای اصلی برای احراز ریاست دولت باشد.

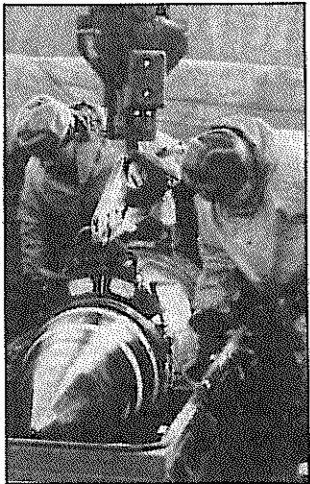
### بمب گذاری های حماس در اسرائیل

در حالی که مذاکرات سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) و اسرائیل برای تحقق خود مختاری غزه و اریحا به نتیجه نهایی نزدیک می شود، تروریست های وابسته به گروه بنیادگرای حماس با دو بمب گذاری در اسرائیل، گروهی از افراد غیر نظامی را به قتل رساندند. حماس پس از این دو حادثه در شهرهای افولا و هادرا اعلام کرد که اگر اسرائیل به حملات خود علیه غیر نظامیان فلسطینی خاتمه دهد، غیر نظامیان اسرائیلی نیز از حملات حماس در امان خواهند ماند. از سوی دیگر یک سخنگوی ساف اعلام کرد که میان این سازمان و حماس گفتگوها بی در جریان است.

## بحران گورازده: تعیین کننده سر نوشت جنگ و صلح در بوسنی؟

## عربستان تا دندان مسلح شده است

### خرید این همه اسلحه برای چیست؟



بموجب آن فرانسه ابزارهای جنگی و از جمله ۴ ناوشکن پیشرفته به عربستان تحویل خواهد داد. برای آنکه عربستان به انجام این معامله تشویق شود پاریس موافقت کرده که بهای جنگ افزارها در مهلت ۸ ساله ای که از ۱۹۹۵ آغاز می شود، پرداخت گردد.

بدینسان آنچه که به رغم تبلیغات برای غرب اهمیت ندارد، تشنج مسابقه تسلیحاتی در منطقه است. منافع کشورهای غربی ایجاب می کند که سیل اسلحه را به سوی خاورمیانه بفرستند و هر کشور این منطقه را برای برقراری توازن یا همسایگان به خرید تسلیحاتی بیشتر وادارند. این سیاست غرب اکنون خاورمیانه را به یکی از بزرگترین انبارهای اسلحه تبدیل کرده و آینده آن را هولناک ساخته است.

عربستان سعودی که تا چند سال پیش یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان به شمار میرفت، به سبب شرکت در جنگ متحدین علیه عراق، خریدهای تسلیحاتی کلان و کاهش قیمت نفت اینک ۵۵ میلیارد دلار به بانک ها و شرکت های خارجی بدهکار است و بودجه سالانه اش نیز با کسری درآمد زیوروست، و این در حالی است که بودجه اسامال عربستان ۲۰ درصد کمتر از سال پیش است. با این همه این کشور کماکان یک سوم بودجه خود را به امور نظامی اختصاص داده و راه همچون گذشته دنبال میکند. در دو سال اخیر عربستان به اندازه ۲۰ سال گذشته از بازارهای جهانی اسلحه خرید کرده است. آمریکا، انگلیس و فرانسه با بزرگ کردن خطر رژیم های عراق و ایران و ایجاد تسهیلات در مورد پرداخت بهای تسلیحات، معاملات کلانی را در زمینه نظامی با شیوخ عربستان منعقد کرده اند. حجم قرارداد ریاض با شرکت های تسلیحاتی آمریکا به ۹ میلیارد دلار بالغ می شود که پرداخت این مبلغ به خاطر وضعیت مالی عربستان دو سال به تعویق افتاده است. ریاض با انگلستان نیز یک قرارداد ۱۵ میلیارد دلاری برای خرید ۴۸ فروند هواپیماهای جنگی تورنادو منعقد کرده که احتمالاً قراردادهایی در باره خرید هواپیماهای جدید Eurofighter را هم به دنبال خواهد داشت.

بالا دور نخست وزیر فرانسه نیز در سفر ۴ ماهه خود به عربستان با حکام این کشور قراردادی به مبلغ دو میلیارد دلار امضاء کرد که

تلاش های دیپلماتیک برای نجات ۶۵ هزار نفر سکنه این شهر از گلوله باران روزمره به نتیجه نرسد، آینده روشنی در انتظار ادامه روند امیدوارکننده ای که با قطع حملات صرب ها به سارایوو آغاز شد، نخواهد بود. اما اگر به جای راه حل نظامی، برای گورازده نیز مانند سارایوو راه حلی سیاسی یافته شود و به آتش بس بیانجامد، هنوز جای این خوش بینی هست که چنین نمونه هایی، به سرتاسر بوسنی گسترش یابد و کانون های جنگ در این کشور، یکی پس از دیگری خاموش شود. آنچه مسلم است، این است که جنگ داخلی بوسنی نیز مانند بسیاری از درگیری های منطقه ای جهان، راه حل نظامی ندارد. صرب ها، مسلمان ها و کرووات ها، باید بپذیرند که چاره ای جز همزیستی ندارند. آنها باید به جای امید بستن به قدرت های خارجی حمایت کننده، که در تحلیل نهایی چیزی جز منافع توسعه طلبانه خود را دنبال نمی کنند، خود ابتکار صلح را در دست بگیرند. شاید در شرایط فعلی حاکم بر بوسنی، این داوری، از حسد یک آرزوی خیر خواهانه فراتر نرود، اما اگر عقل سلیم حاکم باشد، راهی جز این برای بحران بوسنی قابل تصور نیست.

بوسنی، دیپلماسی روسیه موفقیت آمیز بود. روس ها موفق شدند صرب ها را متقاعد به قطع حملاتشان علیه این شهرو قرار دادن سلاح های سنگین شان در منطقه سارایوو تحت کنترل سازمان ملل کنند. اما اقدامات سیاسی روسیه در مورد گورازده، تا هنگام تنظیم این گزارش به نتیجه نرسیده است. هم مهاجمان به گورازده و هم مدافعان آن، به پشتگرمی حمایت قدرت های خارجی، کماکان می کوشند راه حل نظامی را برای رسیدن به اهداف خود پیش برند. صرب ها می خواهند با فتوحات نظامی، جامعه بین المللی را در برابر عمل انجام شده قرار دهند. این است که این شهر را که در محاصره منطقه تحت کنترل آنها قرار گرفته است، ضمیمه فتوحات خود نمایند و جایی برای تبدیل گورازده به یک جزیره مسلمان نشین در نقشه سیاسی بوسنی نگذارند. از سوی دیگر، دولت بوسنی امیدوار است که دخالت نظامی غرب، به عقب رانده شدن صرب ها از مواضع فعلی شان بیانجامد. از این رو، گاه درگیری های نظامی به تحریک مسلمانان آغاز می شود.

به نظر می رسد سر نوشت گورازده، تعیین کننده سیر آتی تحولات بوسنی باشد. اگر

روسیه به تشدید فعالیت های دیپلماتیک خود در بوسنی پرداخت. ویتالی چورکین فرستاده ویژه مسکو، کوشید موافقت رهبران صرب های بوسنی را با توقف پیشروی نیروهای صرب به سوی گورازده جلب کند. هر بار که نماینده روسیه، محل مذاکرات با رهبران صرب را ترک می کرد، اظهارات طرفین در مورد امکان توقف حملات علیه گورازده، امیدوارکننده بود، اما رهبران صرب های ارسالی از خود گورازده مبنی بر اینکه حملات صرب ها علیه این شهر، تشدید نیز شده است، جای خوش بینی باقی نماند. در اواسط هفته گذشته، مقامات دولت روسیه، از چورکین فرستاده ویژه مسکو به بوسنی گرفته تا پلتنین، صرب ها را به خاطر بدقولی شان مورد انتقاد قرار دادند.

از سوی دیگر، دخالت روسیه باعث شد که تاویلا فاصله پس از دو حمله مذکور، به اقدامات نظامی ادامه ندهد. به لحاظ حقوقی، تا وقتی نماینده روسیه در شورای امنیت با عملیات نظامی علیه صرب ها مخالفت می ورزد، مجوزی برای دخالت نظامی غرب در بوسنی وجود ندارد.

در مورد سارایوو پایتخت

در هفته های گذشته، شهر مسلمان نشین گورازده در شرق بوسنی - هرزه گوین، به کانون جنگ داخلی در این جمهوری پیشین یوگسلاوی تبدیل شد. در روزهای یکشنبه ۲۱ و دوشنبه ۲۲ فروردین، نیروی هوایی آمریکا دوبار دست به حملات هوایی علیه مواضع صرب ها در نزدیکی گورازده زد. این حملات به دنبال درخواست نمایندگان سیاسی و نظامی سازمان ملل در بوسنی از نا تو برای آنچه که رسماً دفاع از نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل اعلام شد، صورت گرفت. توجیه سازمان ملل و نا تو برای این حملات، این بود که صرب ها در پیشروی خود به سوی مرکز شهر گورازده، جان معدود نیروهای سازمان ملل را که در این شهر مستقرند، به خطر افکنده اند. اما همه ناظران تا می کنند که این دو حمله و تحولات پس از آن، دو سیاست متفاوت را در قبال بحران بوسنی تجلی بخشید: از یک سو سیاست غرب به رهبری آمریکا برای مقابله با صرب ها، و از سوی دیگر مشی روسیه که نسبت به صرب ها تا کنون سیاست آمیخته به حمایت ضمنی داشته است. روسیه بلافاصله پس از حملات نظامی آمریکا به صرب ها، این حملات را محکوم کرد.

بدنبال حملات هوایی آمریکا،

## فاجعه ای عظیم در رواندا

گرفت و سقوط کرد. بدنیاال این حادثه، نیروهای دولتی و افراد قبیله هوتو به کشتار وسیعی در میان افراد قبیله توتسی در کنگالی پایتخت رواندا دست زدند. این شهردر هفته های اخیر، صحنه فجایع هولناکی بوده است. گاه در برابر دوربین های تلویزیونی، افراد قهقهه بدست به قطعه قطعه کردن غیر نظامیان بی دفاع پرداخته اند. صدها ویلکه هزاران جنازه، در خیابانهای کنگالی پراکنده است. در میان کشته شدگان، نخست وزیر و چند عضو کابینه نیز هستند که همه آنها از قبیله توتسی بودند.

سابقه خصومت بین دو قبیله هوتو و توتسی، به دوره استعمار باز می گردد. استعمارگران بلژیکی به شیوه دیرین تفرقه بینداز و حکومت کن هنگام تسلط بر رواندا، افراد قبیله توتسی را علیرغم اینکه این قبیله، اقلیت را تشکیل می دهد، به مقامات مهم گماردند. از هنگام استقلال رواندا در سال ۱۹۶۲، دولت های این کشور تحت کنترل قبیله هوتو بوده اند. در سال های اخیر، "جبهه میهنی رواندا" که پایگاه آن در قبیله توتسی است، به مبارزه علیه دولت رواندا برخاسته است. در سال ۱۹۹۰، هنگامی که جنگجویان توتسی با حمایت دولت اوگاندا، حکومت رواندا را در آستانه سقوط قرار دادند، نیروهای فرانسوی به نفع دولت کنگالی در رواندا مداخله کردند. در سال گذشته، نیروهای سازمان ملل در این کشور مستقر شدند تا به سه سال جنگ داخلی

جنگ های داخلی در آفریقا، از هنگامی که جنگ سرد پایان یافته و قدرت های بزرگ دیگر منافعی در حمایت از این یا آن دولت یا نیروی شورشی ندارند، تا حد زیادی به دور از توجه رسانه های گروهی جریان دارند. با این حال، ابعاد فاجعه ای که در هفته ای اخیر در کشور کوچک رواندا واقع در مرکز آفریقای سیاه شکل گرفته است، به حدی است که اخبار مربوط به این کشور، تیرهای مهم خبری را به خود اختصاص داد. گفته می شود تنها ظرف سه هفته ای که از کشته شدن رؤسای جمهور رواندا و کشور همسایه آن بوروندی به علت هدف آتش قرار گرفتن هواپیماهای حامل آنها می گذرد، ۲۰ هزار نفر در درگیری بین دو قبیله هوتو توتسی کشته شده اند.

رواندا که مساحت آن تنها حدود ۲۶ هزار کیلومتر مربع (تقریباً یک شصتم مساحت ایران) است، به لحاظ جمعیت پرتراکم ترین کشور آفریقا است (در سال ۱۹۸۵، در هر کیلومتر مربع از خاک رواندا ۲۱۶ نفر زندگی می کردند و نرخ رشد سالانه جمعیت در این کشور، بالغ بر ۳۷ درصد بود). در این مستعمره سابق بلژیک، اکثریت جمعیت از قبیله هوتو است.

درگیری های اخیر در رواندا هنگامی شدت گرفت که هواپیماهای حامل زوونال هایباریمان رئیس جمهور رواندا و سایرین نتاریامیرا رئیس جمهور بوروندی که هر دو از قبیله هوتو بودند، هدف شلیک قرار

میان دولت و جبهه میهنی پایان دهند. در چارچوب قرارداد آتش بس که به میانجی گری سازمان ملل منعقد شد، یک گردان ۶۰۰ نفره از نیروهای جبهه میهنی در کنگالی پایتخت رواندا استقرار یافتند. اکنون این نیرو درگیر درهای سختی با قوای دولتی است. از سوی دیگر، مابقی نیروهای جبهه میهنی نیز به سوی کنگالی پیشروی می کنند.

بدنبال شدت گرفتن نبردها و گسترش کشتار در کنگالی، بلژیک چترایان خود را رسماً تحت عنوان حفظ جان شهروندان خارجی مقیم رواندا به این کشور اعزام کرد. اما دولت موقت رواندا که وابسته به قبیله



یک سرباز رواندایی لگدزدن به فردی که نتوانسته ثابت کند از قبیله توتسی نیست

## پیروزی کمونیست ها در انتخابات اوکراین

ناسیونالیست ها طرفدارانی نیز در میان گروه کثیر نمایندگان مستقل بیابند. از آنجا که طبق قانون اوکراین، وزرا و نخست وزیر باید قبل از عضویت در کابینه، نمایندگی پارلمان را کسب کنند، لئونید کراوچوک رئیس جمهور اوکراین در انتخابات اخیر نیمی از دولت خود را از دست داد زیرا بسیاری از وزرا وین رئیس دولت، نتوانستند به پارلمان راه یابند. قرار است با تشکیل نخستین اجلاس پارلمان، دولت جدید تشکیل شود.

قرار است در روز ۵ تیرماه انتخابات ریاست جمهوری اوکراین نیز برگزار شود، اما پوزیدنت کراوچوک که محبوبیت او در میان مردم به شدت کاهش یافته است، در تلاش است تا این انتخابات را به تعویق افکند.

انتخابات اخیر اوکراین، شکاف میان غرب و شرق این کشور را باز هم آشکارتر کرد. در حالی که اهالی غرب اوکراین بیشتر از ناسیونالیست های طرفدار استقلال از روسیه جانبداری می کنند، کمونیست ها و طرفداران همکاری نزدیکتر با روسیه بیشتر در شرق اوکراین پایگاه دارند.

مرحله دوم انتخابات پارلمان اوکراین در روز یکشنبه ۲۱ فروردین برگزار شد. بدنبال شمارش آراء این انتخابات، معلوم گردید که از ۴۵۰ کرسی پارلمان جدید، تنها ۳۳۹ کرسی اشغال خواهد شد زیرا در حوزه های رأی گیری مربوط به ۱۱۱ کرسی پارلمان، میزان مشارکت واجدین شرایط برای رأی دادن، کمتر از حد نصاب ۵۰ درصد برای معتبر بودن رأی گیری بود. در نتیجه، در این حوزه ها باید انتخابات مجدد برگزار شود. طبق قانون، هیچ یک از کاندیداهای قبلی حق شرکت در انتخابات مجدد ندارند.

مهمترین موفقیت را در انتخابات اوکراین، کمونیست ها به دست آوردند که توانستند به همراه متحدان خود، ۱۱۸ کرسی کسب کنند. "بلوک فرامنطقه ای اصلاحات" به رهبری لئونید کوچما نخست وزیر پیشین، که بسیاری از ناظران به او به مثابه شخصیتی که خواهد توانست میان طرفداران نزدیکی به روسیه و هواداران نزدیکی به غرب پلی ایجاد کند می نگرستند، تنها ۴ کرسی به دست آورد.

ناسیونالیست های اوکرائینی که بیشتر در غرب این کشور پایگاه دارند، ۴۱ می رود هم کمونیست ها و هم